

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه اول دی ماه ۱۳۲۱ \*

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس  
۲ - بقیه شور و تصویب لایحه اصلاح قانون مطبوعات  
۳ - تعیین موقع برای جواب استیضاح از طرف آقای نخست وزیر  
۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس يك ساعت و سه ربع پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید  
صورت مجلس روز چهارشنبه ۲ دی ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند \*

## [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد -  
خیر) صورت مجلس تصویب شد .

## [ ۲ - بقیه شور لایحه اصلاح قانون مطبوعات ]

رئیس - بقیه پیشنهادات ماده اول ماده اول لایحه  
مطبوعات خوانده میشود . پیشنهاد آقای هاشمی :

بنده پیشنهاد میکنم از آخر ماده از لفظ و هیچکس  
حذف شود و بجای آن تبصره ذیل نوشته شود .

تبصره - اگر کسی دارای دو امتیاز روزنامه است و  
بحکم محکمه یکی از روزنامه‌های وی توقیف شد در مدت  
توقیف حق استفاده از امتیاز دیگر خود و نشر روزنامه دیگر  
را ندارد .

رئیس - آقای هاشمی

هاشمی - چون دیروز آخر جلسه مجلس قدری خسته  
بود لهذا بنده توضیحات خودم را در اطراف این پیشنهاد  
حالا عرض میکنم . دولت در این لایحه قائل شده است که  
به يك فرد دو امتیاز داده نشود باین فرض و باین جهت دو  
امتیاز قائل نشده اند که اگر يك روزنامه مورد تعقیب واقع  
شد این شخص ممکن است از امتیاز دیگر خودش استفاده  
کند و فوری بیايد روزنامه خودش را منتشر کند حالاروی  
این نظر بنده همین را پیشنهاد کردم که اگر کسی صلاحیت  
دارد دو امتیاز داشته باشد باو امتیاز داده شود ولسی اگر يك  
روزنامه او بعلت تخلف از مقررات قانون تحت تعقیب در آمد

\* عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و نهمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)  
اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر سمیعی - منصف - مرآت اسفندیاری - تولیت - سزاوار - ارگانی - گودرز نیا - مشردوانی - نصری -  
امیر ابراهیمی - حمزه تاش - دکتر سنگ - فرشی - فاطمی - دکتر ادهم - دهستانی - دبستانی - آصف - صادق وزیری - دولتشاهی - مقدم -  
کرگانی - پناهی - آزادی - مستشار - کامل ماکو .

حق نداشته باشد در آمدت از امتیاز دیگر خودش استفاده کند و روزنامه دیگر را منتشر کند

**رئیس** - رأی گرفته شود به پیشنهاد آقای هاشمی موافقین برخیزند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد. از آقایان خواهش میشود توضیحاتی که نسبت به پیشنهاد خودشان میدهند مطابق نظامنامه مختصر بدهند بعد هم البته نسبت به پیشنهاد رأی گرفته میشود بعد از این که رأی گرفته شد البته رأی مجلس مطاع است. پیشنهاد آقای رضوی:

بنده پیشنهاد میکنم در ذیل ماده اول جمله زیر اضافه شود:

اشخاصی که از هفت سال باینطرف مشغول انتشار روزنامه یا مجله بوده‌اند و فعلاً هم روزنامه و مجله دائر دارند مشمول تجدید نظر مندرج در این ماده نخواهند بود.

**بعضی از نمایندگان** - این پیشنهاد رد شده است

**رئیس** - آقای رضوی

**رضوی** - این موضوع مطرح نشده بود تا رد و قبول آن معلوم شده باشد. عرض کنم در تمام مواردی که در قسمت های مختلف و قسمتهای علمی بحث میشود علم و تجربه با همدیگر نگر می شود و ما هم سابقه که در قوانین گرفته ایم تجربه و سابقه را همیشه دخالت داده ایم در قانون قضاوت در قانون و کالت داد گستری و امثال اینها علاوه بر آنکه مزایای علمی از قبیل لیسانس و تصدیق دکتر را قدر برایش قائل شده ایم سوابق در کار را هم منشأ اثر قرار داده ایم این جا هم يك موضوعی است که مربوط بارشاد و هدایت جامعه است که هم بالاخره در ضمن خود کار يك تجاربی اندوخته شده که در ضمن تحصیلات ممکن است آن تجارب مراعات نشده باشد باین مناسبت بنده پیشنهاد کردم که همراه دانش قسمت سابقه را هم مورد نظر قرار دهند مدت را هم البته بنده باختیار مجلس واگذار میکنم ممکن است از این مدت که بنده پیشنهاد کرده ام کمتر یا زیاد تر قرار دهند فقط چیزی که هست میخواستم این موضوع را عرض کرده باشم که قسمت تجربه و سابقه در کار نامه نگاری دخالتش خیلی زیاد و فراوان

و آنها را سر مشق مکرر می شناسیم به بینیم در امریکا در انگلستان در فرانسه در سوئیس چه مقرراتی برای این کار هست و ما هم همانطور رفتار کنیم. عرض کنم در دوره مرحوم فروغی هم خواستند این کار را بکنند با این که کابینه مرحوم فروغی در آن موقع اکثریت داشت و خیال میکرد که شاید قانون مطبوعات باین ترتیب بگذرد ولی موافقت نشد و رد شد سهیلی هم همین کار را خواست بکند و شاید میخواست باین وسیله مداخله در امر مطبوعات بکند ولی مورد موافقت مجلس واقع نگردید بنده شنیدم خود آقای قوام هم قصد داشتند این لایحه را بایک فوریت بیاورند ولی بعضی از آقایان نمایندگان (که نمیخواهم بنده اسمشان را ببرم) اظهار نظر کردند که با دو فوریت باشد که زودتر بگذرد فعلاً در آن قسمت عرضی ندارم همینقدر عرض میکنم که ما سابقه بدی داریم راجع بمطبوعات اگر بعضی از آقایان نمایندگان تصور می کنند که بعضی از اشخاص و بعضی از آقایان نمایندگان مورد بی احترامی واقع شده اند این عکس العمل دوره ایست که حتی ناموس مردم هم مورد تعرض بود (مشار - ه. چو چیزی نبود) آبروی مردم در معرض تهدید بود (مشار - دوره بهاری هم چنین چیزی نبود) آقا میدانید منتهی میخواهید اسمشان را ببرم این جا زندهای مردم را اسمشان را این جا ببرم؟! از این بالاتر ما مورین نامینات بی عرضه دو پولی که میتوانستند بعضی ناموس مردم اعتراض کنند مگر فراموش کرده اید؟! عرض کنم بالاخره بنده مدعی هستم که این لایحه بدون مطالعه تهیه شده و بعقیده بنده اگر بخواهید لایحه صحیحی بشود وقت بدهند مراجعه کنند مطالعه کنند و با مراجعه به قوانین مطبوعات سایر کشور ها يك قانون صحیحی تهیه شود که از هر جهت کامل باشد. حالا آمدیم راجع به موضوع این پیشنهاد در اینجا میگویند يك نفر حق گرفتن بیش از يك امتیاز ندارد این را ثابت میکنم که وزارت فرهنگ اشتباه کرده اند ایشان از آن طرف نگاه میکنند که اگر بکنند دارای چند امتیاز باشد و بخواهد هنا کی بکند میتواند ولی اینطور نیست کسی که هنا کی

را بد میداند اگر چندین امتیاز هم داشته باشد اساساً هتا کی نمیکند و اگر کسی چندین امتیاز هم نداشته باشد هر وقت بخواهد هتا کی بکند میکند و بنده البته عقیده ندارم و بهر ترتیب این عمل را بد میدانم خودم را من باب مثل عرض میکنم که بنده چندین امتیاز داشتم در بیست سال قبل روزنامه خوزستان را مینوشتم و این موقعی بود که خزل رفته بود و در خوزستان قشون بود و اشخاصی که طرفدار خزل بودند بر علیه ایران اقدام می کردند و عرب بازی بود و قشونی ها میخواستند با سر نیزه آنها را آرام کنند ولی بنده عقیده داشتم که با قلم باید با آنها حالی کرد که شما ایرانی هستید و عرب نیستید روزنامه خوزستان را نوشتیم و بامدارك گفتم که خوزستان و خوزستانی جزء ایران است و شاهد ما سد کاروب و بندر شاهپور و خودخوش است که مرکز سلاطین ایران بوده و با این ترتیب ثابت کردم که خوزستان ایرانی است و مال ایران است این موضوع امتیاز روزنامه خوزستان بود قضیه مجله مهر بنده این بود که بنده در خوزستان فکر کردم که در مصر مجلات خوبی مینویسند در ترکیه مجلات خوب دارند حتی افغان و عراق هم مجله دارد و ایران مجله ندارد بنده آدمم مجله مهر را نوشتم و اشخاصی که اطلاع دارند میدانند که مجله مهر يك مجله خیلی خوبی است بعد دیدم مجله مهر يك مجله ایست برای خواص و عده خواص کم است سرو کار بیشتر با عوام است مجله مهر گان را برای عوام نوشتم که آنهم خیال میکنم مجله مفیدی بود حتی این او آخر بنده فکر کردم که ما باید با امریکا نزدیکتر شویم امریکائی که امروز علمدار آزادی است و ما هم عاشق آزادی هستیم باید از او پیروی کنیم روی همین اصل بود که بنده فکر کردم که يك مجله بنویسم بزبان انگلیسی و با امریکائی ها حالی بکنم که شما عیب آلمان را میکنید که دارند بلژیک را از گرسنگی میکشند این را نوشتم که علت ندارد مادر آذربایجان گندم داشته باشیم و شما راضی شوید که ما در جاهای دیگر از حیث آذوقه در زحمت باشیم.

**رئیس** - آقای موقر در حدود پیشنهادتان صحبت کنید

مسائل شخصی را صحبت نکنید آقا

**موقر** - غرضم این بود که فکر کردم ثابت کنم .  
**رئیس** - در مسائل شخصی صحبت نکنید .

**موقر** - شخصی نیست بنده مقصودم این است عرض کنم که یک نفر میتواند دارای چند امتیاز باشد و هر کدام هم میتواند برای جامعه مفید باشد بنده این را خدمت آقای قوام عرض کردم که یک نفر میتواند دارای چند امتیاز باشد بنده دیپلمه مدرسه نامه نگاری انگلستان هستم و بنده میتوانم این مطلب را با مریکائی ها حالی کنم چرا بنده نیاستی مجلاتی که مفید باشد بنویسم؟ بنده معتقدم که این لایحه از روی عجله نوشته شده و خوب تنظیم نشده و ناقص است و یکی از چیزهایی که لازم است بنده عرض کنم این است که بنده جداً طرفدار آقای قوام هستم و خیال میکنم شاید بجا بوده است زیرا لیاقت ایشان در رفع همین غائله که پیش آمد ظاهر شد ولی باید مطالبی که بنظر خود میرسد و اگر اشتباهی شده باشد باید عرض کنم و راجع به این لایحه مقصودم این است که جلو گیری از مطبوعات در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد دولتهای آزاد مثل امریکا و انگلستان حتی دولتهای دیکتاتوری هم جلو گیری نمیکنند (مشار - کی جلو گیری کرده؟) کاملاً جلو گیری میکنند و هیچ جا سابقه ندارد که روزنامه توقیف شود مگر این واقعه که اتفاق افتاد بهانه میشود که روزنامه را توقیف کنند؟ واقعه در تולون بود که آن اتفاقات افتاد و فرانسه اشغال شده بود ولی روزنامه ها توقیف نشد در هندوستان امر کالیدی صادر میشد که تمام قیام کنید بر علیه حکومت همه هم حبس میشوند عده ای هم کشته میشوند و روزنامه ها جلو گیری نمیشوند و توقیف نمیشوند در هر حال بنده معتقدم که جلو گیری از روزنامه ها مضر بحال مملکت است و هیچ صلاح نیست .

**وزیر کشور** - بنده عرض کردم که بهیچوجه من - الوجوه در این لایحه تضییقی راجع بر روزنامه ها ندارد و دیروز هم آقای تهرانچی باز يك سوء تفاهمی بر ایشان پیدا شده بود که فرمودند وزیر کشور گفته است که ما

روزنامه بنویسد اینطور نیست آقا خود آقای موقر هم در این شرحی که اینجا نوشته اند و پیشنهاد کرده اند خودشان اشاره کرده اند بصلاحت و درضمن بیاناتشان هم صلاحیت را درحقیقت توضیح دادند البته اشخاص صالح همه جا حق دارند روزنامه بنویسند خودشان هم توضیح دادند که مقصود از صلاحیت چیست .

**رئیس** - موافقین با پیشنهاد آقای موقر برخیزند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد . پیشنهاد آقای نقابت :

پیشنهاد مینماید : بمنظور حسن اجرای این قانون شورای عالی فرهنگ آئین نامه تنظیم خواهد نمود که پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارده خواهد شد . رأی شورای عالی فرهنگ با کثرت قاطع است و هیچیک از اعضای شورای عالی فرهنگ حق ندارد رأی خود را بدیگری را گذار نمایند .

**ملك مدنی** - این پیشنهاد توضیح لازم ندارد صحیح است .

**رئیس** - آقای نقابت

**نقابت** - همانطور که آقای ملك مدنی اشاره فرمودند این پیشنهاد توضیح لازم ندارد آقایان مستحضر هستند که نقایصی در این ماده ملاحظه میشود که این نقایص باید ضمن يك آئین نامه تکمیل شود و دولت هم وعده داده است که این نقایص یعنی مجموع نظریاتی که آقایان نمایندگان محترم بنفع روزنامه ها بیان فرمودند در آن آئین نامه پیش بینی کنند و بنده این پیشنهاد را که برای تأمین آن منظور است بی نظر جناب آقای نخست وزیر و آقای وزیر فرهنگ رساندم و قبول هم فرمودند و حالا هم اگر قبول میکنند موافقت خودشان را در مجلس اظهار بفرمایند .

**بعضی از نمایندگان** - این پیشنهاد بعنوان ماده الحاقیه باشد بهتر است .

**وزیر فرهنگ** - با پیشنهاد آقای نقابت دولت موافق است بدیهی است از لحاظ اینکه این قانون کلی است يك آئین نامه ای لازم خواهد داشت در آن آئین نامه هم همان

تذکره ای را که فرمودند برای تشخیص تمکن مالی و سرمایه علمی باید ذکر شود و صالحترین مقام هم برای تنظیم آن آئین نامه شورای عالی فرهنگ است بنا بر این دولت این پیشنهاد را قبول میکند ولی بعنوان ماده سوم .

**رئیس** - پیشنهاد آقای منشور :

در ماده اول پس از تمکن مالی نوشته شود برای انتشار پنجاه شماره مجله و سیصد شماره روزنامه .

**رئیس** - آقای منشور .

**منشور** - عرض کنم نگرانی که این قانون تولید کرده است دو جهت دارد یکی اینکه يك عده خیال میکنند بواسطه نداشتن سرمایه مالی استفاده از مقام علمیشان هم نمیتوانند بکنند و البته این حرف صحیح است برای اینکه بسیاری از نویسندگان دنیا ابتدا هیچ سرمایه نداشته اند و سرمایه آنها فقط قلمشان بوده است و از آنچه نوشته اند مردم از قلم آنها استفاده کرده اند باین جهت نمیشود گفت که يك اشخاصی بواسطه نداشتن سرمایه مالی حق ندارند روزنامه بنویسند . اغلب نویسندگان بزرگ دنیا از قبیل ویکتور هوگو و سایرین شاید ابتدا دارای سرمایه نبوده اند فقط مطالب خود را مینوشته اند و منتشر میکرده اند . (اشاره - روزنامه نمی نوشتند مقاله در روزنامه مینوشته اند) حالا در مملکت ما متأسفانه وضعیت طوری شده که یک عده آمده اند روزنامه نگاری را وسیله اعاشه خود قرار داده اند همانطور که آقای دشتی بیان فرمودند شاید تا اندازه به تکدی رسیده است امتیاز را گرفته است و امتیاز روزنامه را وسیله قرار داده و نماینده فرستاده و آدم فرستاده است که شما بیاید فلان روزنامه را آبروه شوید و اگر طرف حاضر نشده است آبروه شود از او بد گوئی کرده است با این حال ما نباید تمکن مالی را طوری پایه اش را بگذاریم که اشخاص نتوانند روزنامه بنویسند البته این استطاعت مالی که اینجا گفته شده تا اندازه لازم است و در سایر جاها هم نظایرش را ما دیده ام ولی باید تا این حدی باشد که مانع اشخاص فاضل نشود (فرخ - ماده ۶۳) بنده خواهش میکنم شما عوض اینکه

در حرف بنده بدوید بعد از بنده تشریف بیاورید صحبت کنید شما که رئیس نیستید (فرخ - ماده ۶۳) اینکه نمیشود يك عده خودشان صحبت بکنند ولی تا بکنند یا میشود صحبت کنند توی حرفش میدوند (فرخ - آقا ماده ۶۳) را باید رعایت کنید (این اشخاصی که سرمایه مالی ندارند نمیتوانند روزنامه نویسی کنند ولی البته يك اشخاصی را پیدا میکنند که با آنها کمک مالی بکنند بنده روزنامه تایمز انگلستان را يك وقت میخواندم شاید در سال ...

**فرمانفرمایان** - این جا مگر انگلیس است؟ خاک بر سر این جا مگر انگلستان است؟!

**منشور** - بالاخره روزنامه نویسی باید سرمایه داشته باشد و آنچه که بنده فکر کردم اشخاصی که میخواهند روزنامه بنویسند سرمایه آنها را که بنده حساب کردم در جراند باید طوری باشد که بتواند سیصد شماره بیرون بدهد همینطور که نسبت بصاحبان محاضر در قانون همین کردیم که صاحب دفتر باید استطاعت مالی داشته باشد البته بکنند روزنامه نویسی هم آنقدر باید تمکن داشته باشد که بتواند یکسال روزنامه خودش را اداره کند بهمین جهت بنده پیشنهاد کردم که اگر روزنامه باشد سیصد نمره و اگر مجله باشد پنجاه نمره بتواند منتشر بکند و پنجاه نمره مجله را وقتی حساب کردم معادل یکسال روزنامه میشود. عرض دیگر بنده این است که این قانون يك نقصی دارد و توجه نشده است شما مجازات را تا سه سال معین کرده اید ولی صلاحیتش را با محکمه جنحه قرار داده اید در صورتیکه محکمه جنحه بیش از دو سال نمیتواند حکم حبس بدهد و این يك موضوع مهمی است (عده از نمایندگان - ماده ۶۳) خوب اینها يك تذکرات لازمی است که باید این جا گفته شود حالا بسته بنظر مجلس است.

**رئیس** - موافقین با پیشنهاد آقای منشور برخیزند (چند نفر قیام نمودند) رد شد. پیشنهاد آقای تهرانچی.

اینجانب پیشنهاد میکنم به ماده اول اضافه شود: اشخاصی که سه سال سابقه روزنامه یا مجله نویسی داشته اند از این قاعده مستثنی میباشند.

**رئیس** - آقای تهرانچی.

**تهرانچی** - عرض کنم که البته دیروز در قسمت روزنامه هائی که تا کنون انتشار می یافت نطق مفصلی در ضمن بیاناتشان آقای دشتی فرمودند بعضی از آقایان هم بواسطه تنقیدی که بعضی از جرائد از آنها کرده اند عصبانی هستند البته در تمام امور يك موضوع و يك امور جزئی را نباید بطور کلی گرفت باین معنی که اگر فرضاً يك جرائدی هم پیدا شده باشند یکی دو تا که اصلاً خودشان كوچك هستند و اظهاراتشان كوچك است این نباید سبب شود که آقایان نمایندگان محترم که مقام نمایندگی ملت را دارند این را ملاک قرار دهند و عصبانی شوند نسبت بآنها و آنوقت نسبت به کل جرائد عصبانی باشند پس بهتر این است که آقایان بدانند جرائدی که فعلاً در این مملکت منتشر میشده چه زحمانی را در این مدت تحمل کرده اند مدیران و سردبیران و اولیای آنها با این بی وسائلی و با این کم سرمایه گئی این مملکت که کسی بیاید سرمایه خودش و وقت خودش و کار خودش را صرف روزنامه بکنند که در حقیقت يك کار پر زحمتی است آنوقت قدردانی که از آنها نشود هیچ دولت هم بیاید در يك چنین موقعی تمام آنها را يك مرتبه توقیف کند و يك چنین قانونی هم بیاورد و آنها را هم شامل همین قانون کند و بگوید آلهائی هم که سالیان دراز روزنامه نوشته اند و جان کنده اند و زحمت کشیده اند و مرارت کشیده اند آنها را هم کان لسم یکن فرض کنند. بعقیده بنده یکی از دلایلی که موجب شده است دولت آمده است يك مرتبه تمام روزنامه ها را توقیف کرده است یکی از دلایلی این قسمت بوده است (چون در قضایای اخیر لزومی نداشت توقیف روزنامه ها) که در اینموقع که این لایحه را برای روزنامه ها آورده اند همانطور که گفته شد چون روزنامه ها آئینه افکار ملت هستند البته تأثیر هم در افکار نمایندگان خواهد داشت و يك همچو عملی واقع شد که بعقیده بنده برخلاف قانون است و نباید در این موقعی که آنها غائب هستند ما قانونی برای اینکار بگذرانیم که

يك کسی غائب است در آئینه گفته شود که در غیاب يك کسی حق او را ادا نکرده ایم این است که بعقیده بنده اگر مطابق این قانون لازم است که صلاحیت يك اشخاصی محرز شود من حضور آقایان عرض میکنم و از آقایان سؤال میکنم کسی که سه سال توانسته باشد يك روزنامه را بنویسد و اداره کند و مرتب بیرون بدهد این آیا صلاحیت روزنامه نویسی ندارد؟ بعد از این شورای عالی معارف همه اش را باید روی پیش بینی رای بدهد و متقاعد شوند روی تجربه و عمل اینها که تجربه و عمل خودشان را بخوبی نشان داده اند آیا صلاحیت ندارند؟ آقایان میدانند در این مملکت يك کسی که میخواهد کاری را شروع کند هر قدر کار كوچك باشد اول يك زحمت و موارنهائی دارد وقتی که کرد معلوم می شود لیاقت دارد بطور مثل عرض میکنم....

**رئیس** - کوتاه کنید آقا. مختصر باید صحبت کرد

**تهرانچی** - بنده پیشنهادی داده ام و باید توضیح بدهم بنده هر وقت که صحبت میکنم بین حرف من که جنابعالی صحبت میکنید رشته مطلب از دست من قطع میشود نمیخواهید حرف بزنم

**رئیس** - آخر باید در پیشنهاد مختصر صحبت کرد

**تهرانچی** - نمیخواهید حرف بزنم حرف نمیزنم میروم بیرون (با حال عصبانی از مجلس خارج شدند)

**رئیس** - رای که میتوانیم بگیریم مانعی ندارد شما بیرون بروید. رای میگیریم به پیشنهاد آقای تهرانچی موافقین برخیزند (عده کمی قیام نمودند) رد شد. این پیشنهادها یکی که داده میشود غالباً واضح است. معنهی اگر مطالبی باشد که قبلاً درش مذاکره نشده باشد مختصراً باید توضیح بدهند و رأی گرفته میشود مجلس را که نمیشود سه روز دیگر برای این کار معطل کرد. پیشنهاد آقای مؤیداحمدی

تبصره زیر را بماده اول پیشنهاد میکنم اشخاصی که ده سال متوالی یا پانزده سال متناوب سابقه روزنامه نویسی یا مجله نویسی داشته اند از تحدیدات ماده فوق مستثنی هستند

**رئیس** - آقای مؤیداحمدی

**مؤیداحمدی** - همانطور که بنده معتقد به خون سردی هستم استدعا میکنم آقایان هم عصبانی نشوند و ماده ۶۳ را هم بنده در نظر دارم. عرض کنم بنده دیروز يك پیشنهاد جمعی را امضاء کرده بودم نوبت به بنده نرسید که عرض خودم را در این پیشنهاد عرض کنم. ما در تمام قوانینی که گذرانده ایم قانون استخدام کشوری، قانون استخدام قضات قانون و کلاهی عدلیه قانون طبابت در تمام اینها سابقه را ملحوظ کردیم الان هم آن قوانین هست حتی در قانون سر دفترها گفتیم اشخاصی که هفت سال سر دفتر بوده اند دیگر آنها امتحان دادن لازم ندارند بنده سه سال را البته کم میدانم لیکن يك آدمی که ده سال متوالی روزنامه را اداره کرده یا پانزده سال روزنامه را متناوباً اداره کرده است بعقیده بنده این نباید امتحان بدهد و امتیاز بگیرد این بود که بنده پیشنهاد کردم که اگر دولت موافقت کنند اشخاصی که ده سال متوالیاً بشغول روزنامه نگاری اشتغال دارند یا پانزده سال متناوب اجازه بدهند روزنامه بنویسند اگر دولت این پیشنهاد را نمی پذیرد بسته به رأی مجلس است

**رئیس** - موافقین با پیشنهاد آقای مؤیداحمدی برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب شد پیشنهاد آقای صفوی تبصره - روزنامه هائی که در شهرستاهای تا کنون مرتباً منتشر شده و حالیه هم منتشر میشود مشمول ماده اول این قانون نخواهند شد

**رئیس** - آقای صفوی

**صفوی** - عرض کنم که بنده خیلی متأسف هستم که بعضی از همکارهای بنده بعد از بیست سال که تحت يك فشارهائی بودند و آزاد شدند يك چیزهائی را برخلاف ادب و نزاکت نوشتند که بنده هم مخالف بودم و عکس العمل آن هم این حال عصبانی است که امروز مجلس شورای ملی از خود نشان میدهد (بعضی از نمایندگان گل - کسی عصبانی نیست) فعلاً مجلس شورای ملی نسبت به مطبوعات این نظر را پیش گرفته است و بعضی از آقایان نسبت بآنها عصبانی هستند ...

عده از نمایندگان - کسی عصبانی نیست (زنك رئیس)  
**صفوی** - عرض کنم حضورتان تا این جا يك قانونی می گذرانیم برای کلیه مطبوعات و باید مجلس شورای ملی نظر کلی داشته باشد آقایان ؟ شما نماینده تمام ملت ایران هستید که این جا نشسته اید این روزنامه ها هم زبان ملت هستند بنده اشخاص عقیف رامیگویم دانشمندان و فضلائى را میگویم که با يك مقاله خدمانی به مملکت و اصلاحات مملکت میکنند بنده قلمهای ناپاک را نمیگویم شما باید حامی اشخاصی باشید که قلمهای پاک و عقیف دارند (جمعی از نمایندگان - هستیم - هستیم) شما امروز يك قانونی میگذرانید و دادن امتیاز را محدود میکنید بيك شرایطی که حد معینی ندارد و واگذار میکنید بشورای عالی فرهنگ که انشاءالله آنها هم تحت تاثیر واقع نخواهند شد تمکن مالی و سرمایه علمی اشخاص برود آنچه (نائینی - پس کجا برود؟) توجه بفرمائید آقای نائینی. این جا معین نشده است که تمکن مالی چه مبلغی است اگر يك مدیر روزنامه سرمایه شش ماه مخارج روزنامه را داشت ممکن است بهش امتیاز بدهند یا يك کسی که مخارج روزنامه را ده روز داشت امتیاز بدهند ولی يك کسی که مخارج سه سال را داشته باشد ندهند برای اینکه در این قانون مبلغ این شرط معین نشده است یا يك کسی که معلوماتش شاید تا کلاس سه متوسطه باشد بهش امتیاز بدهند ولی يك کسی که دیپلم دکترا هم داشته باشد دکترا در فلسفه باشد ندهند زیرا حدی معین نشده (بعضی از نمایندگان - خیر میدهند) انشاءالله اینطور باشد ولی قانون مجمل است يك پیشنهادانی هم میشود و میگویند اشخاصی که سابقه خدمت روزنامه نویسی داشته اند بهشان داده شود آقایان يك قانونی از مجلس گذشته است و تصویب شده است که از طرف آقایان مجالس گذشته با يك روح پاکی تصویب کرده اند و با آنها امتیاز داده اند و رفته اند پنج سال شش سال ده سال پانزده سال بیست سال و پنج سال روزنامه نوشته اند صلاحیت علمی و اخلاقی خودشان را ثابت کرده اند

**فرخ** - حالا هم جائی نمیروند آقا...  
**صفوی** - استدعا میکنم آقای فرخ. توجه بفرمائید پیشنهاد میشود اینجا آلهائی که پنج سال وارد روزنامه نگاری هستند اجازه داده شود قبول نمیشود پیشنهاد میشود آلهائی که ده سال يك مجله را منتشر کرده اند و يك کتاب خانه جامعی از روزنامه و مجله خود درست کرده اند با آنها موافقت شود مجلس رأی نمیدهد پیشنهاد میکنند....

**فرخ** - شاید فضل نداشته باشند  
**صفوی** - اجازه بفرمائید. آقای فرخ. شما اهل فضل هستید خواهش میکنم که شما هم کمک بکنید بفضل و دانش کسی که این مدت يك روزنامه یا مجله ای را اداره کرده است

**فرخ** - حالا هم بکنید مانعی ندارد  
**صفوی** - نمیدهند بهش  
**فرخ** - میدهند. میدهند  
**صفوی** - شما از سلب حق میکنید (زنك رئیس)  
**رئیس** - آقا صحبت بین الاثنین نکنید.

**صفوی** - استدعا میکنم. توجه بفرمائید آقای فرخ این ماده را بنده برایتان میخوانم ماده اول: از تاریخ تصویب این قانون کسانی می توانند صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله باشند که علاوه بر شرایط مقرر در قانون مطبوعات مصوب ۶ محرم ۱۳۲۶ صلاحیت آنان را از لحاظ تمکن مالی و سرمایه علمی...

ملاحظه می فرمائید این يك عبارت خیلی کشداری است يك عبارت خیلی قابل تفسیر و تعبیری است البته اگر حسن نیت باشد يك کسی که دارای تصدیق شش ابتدائی هم باشد باید بدهند برای اینکه میگویند من سرمایه مالی دارم سرمایه علمی ام هم این تصدیق است ولی اگر خدای نکرده خدای نکرده اشخاص تحت تاثیر دولتها و وزراء و اولیای امور و يك عواملی واقع شدند اگر بوالله قسم مطابق پیشنهاد یکی از آقایان که دیروز کرده بودند دکترا در فلسفه و حقوق هم داشته باشد

باز هم بهش نمیدهند و میگویند سرمایه تو کافی نیست. توجه می فرمائید؟ آنوقت میگوید که سرمایه علمی و اخلاقی او را شورای عالی فرهنگ با رعایت نوع روزنامه یا مجله که می خواهد منتشر کند و سمتی که در آن خواهند داشت تصدیق نماید. بعد می نویسد: صاحبان امتیاز و مدیران و سردبیران فعلی روزنامه ها و مجلات نیز مشمول این قانون می باشند. آلهائی هم که ده سال پانزده سال سرمایه علمی داشته اند سرمایه اخلاقی داشته اند سرمایه مادی و معنوی داشته اند خرج کرده اند زحمت کشیده اند و امروز يك کتابخانه معظم از افکارشان از نشریاتشان دارند امروز این سلب حق را این جور مجلس شورای ملی از آنها می کند.  
**فرخ** - چرا می فرمائید سلب حق؟ اگر سرمایه علمی دارند بروند و بنویسند. کسی سلب حق نمی کنند از آنها.  
**صفوی** - اجازه بفرمائید. آقای فرخ مجلس شورای ملی این سلب حق را از آنها می کند و میگوید شما هم باید بروید مثل اشخاص دیگر اگر صلاحیت علمی و سرمایه داشتید از شورای فرهنگ امتیاز بگیرید در شورا هم میگویند قبل از شما امتیاز گرفته اند. این برخلاف اصل قانون اساسی است. آقایان شما نمایندگان ملت هستید. چشم و چراغ این مملکت مجلس شورای ملی است والله بالله امروز مردم زبانشان بسته است. آقا هفده روز است در این شهر روزنامه نیست که شما نتیجه افکار عمومی را بدانید...

(زنك رئیس)  
**رئیس** - آقای صفوی... یعنی چه. در موضوع پیشنهادتان صحبت کنید. چرا خارج از موضوع صحبت می کنید؟

**صفوی** - اجازه بفرمائید. بگذارید عرایض تمام شود. بنده نماینده ملت هستم و اینجا قسم خورده ام باید وظیفه خودم را انجام بدهم آقای رئیس مجلس شورای ملی شما هم قسم خورده اید من هم قسم خورده ام. امروز هفده روز است زبان ملت بسته شده است. ما برای ملت ایران قانون وضع می کنیم. بنده نماینده ملت ایران هستم ما قوانینی وضع می کنیم

که مطبوعات که ناشر افکار ملت هستند زبان ملت هستند مطبوعات بالاخره آن چیزی است که افکار عمومی را منتشر می کند شما هنوز نفهمیده اید که افکار عمومی راجع باین لایحه چه نظری دارد؟ حالا کاری باین کارها ندارم. قانون اساسی میگوید حقوق ملت ایران در هر مورد محفوظ است بنده و یکصد بیست و يك نفر از رفقای بنده در پشت این تریبون قسم بکلام الله مجید خورده ایم که حقوق ملت ایران را حفظ کنیم. يك امتیازی که دولت داده است بنده زحمت کشیده ام روزنامه نوشته ام آقای موقر پانزده سال است مجله مهر را منتشر کرده است خرج کرده ایم زحمت کشیده ایم تا نصف شب بی خوابی کشیده ایم يك مجله یا يك روزنامه منتشر کرده ایم اگر فردا آقای موقر مطابق این قانون رفت بشورای عالی معارف امتیاز مجله مهر را خواست پس فردا بهش گفتند آقا شما متأسفانه دیرتر تقاضی کردید آقای میرزا حسین علی خان آمدند و این تقاضا را کردند ما هم دادیم باو...

**نخست وزیر** - نیست همچو چیزی. همچو چیزی نمیگویند آقا.

**صفوی** - این قانون است آقای نخست وزیر. اگر نکنند ارفاق کرده اند اگر کردند قانون این جور میگوید که بنده که بیست و یکسال است روزنامه کوشش را با نهایت صراحت و صداقت و متانت و با کدمانی منتشر کرده ام بنده امروز با يك روز دیگر رقم در شورای عالی فرهنگ و خدمت آقای وزیر فرهنگ و تقاضی کردم که امتیاز مرا بدهید این قانون هم تصویب شده است.. شانزده هفده روز هم هست که روزنامه نیست روزنامه کوشش هم نیست مهر ایران نیست هیچ روزنامه نیست همه تعطیل هستند يك شهر خاموشان هیچ صدائی از هیچ جائی بلند نیست توی هر اداره روزنامه دوتا مفتش تأمینات هست و توی هر مطبعه دوتا مفتش اداره آگاهی هست که هیچکس دست بحروف از نند آنوقت فردا که بنده رقم بوزارت فرهنگ و گفتم آقای وزیر فرهنگ بنده صفوی هستم مدیریت روزنامه کوشش را به بنده بدهید گفتند خیلی خوب بجزیران می اندازیم پیشنهاد کنید بجزیران می اندازیم پیشنهاد میکنم و بجزیران می افتد میگویند ده روز دیگر بیائید و بعد از

ده روز که رفتیم میگویند که قبل از شما يك کس دیگر آمده است و امتیاز را گرفته است. برخلاف قانون که نکرده اند این قانون است و اینطور میگوید اگر غیر از این بکنند ارفاق است اگر گفتند بیائید امتحان بدهید سرمایه علمی معلومات علمی اخلاقی زیادی را نشان بدهید ارفاق است والا مطابق قانون هر کس که زودتر رفت و تقاضی کرد باو میدهند حالا پیشنهاد بنده راجع بروزنامه هائی است که در ولایات منتشر میشود ملاحظه بفرمائید از روز ۱۷ آذر که يك وقایع ناگواری اتفاق افتاد.

**رئیس** - مختصر تر بفرمائید آقا.

**صفوی** - الساعه تمام میشود. از روز هفدهم آذر که متأسفانه يك واقعه ناگهانی و ناگواری در طهران اتفاق افتاد و تمام رفقای بنده و تمام وطن پرستان را متأثر کرد که آن مربوط بیک موضوعی است که بعداً اینجا مورد بحث خواهد شد تمام روزنامه ها توقیف شدند خوب و بد قلم عقیق و قلم ناپاک صحیح و سقیم همه در يك ردیف و در يك خط واقع شدند و تمام توقیف شدند هیچ نگفتند کدام خوبست و کدام بد است کدام صالحند و کدام طالحند در ولایات این کار را نکردند ...

**مشار** - در ولایات که جراید این جریان را نداشت.

**صفوی** - آقای مشار من بشما ارادت دارم استدعا میکنم عریض مرا گوش بدهید. در ولایات این کار را نکردند فقط تهران را در حال تاریکی و بی خبری گذاشتند که صدائی از تهران در نیاید و يك روزنامه هم منتشر نشود اما در ولایات روزنامه هست. در اصفهان روزنامه منتشر میشود در رشت روزنامه منتشر میشود در آذربایجان روزنامه منتشر میشود آقای مشار دیشب خودم داشتم در کرمان روزنامه منتشر میشود در خراسان منتشر میشود حالا ما آمدیم يك قانونی وضع کرده ایم ما قانون را برای تهران که وضع نمیکنیم برای تمام مملکت وضع می کنیم فردا روزنامه که در کرمان چاپ میشود یا اصفهان چاپ میشود مطابق این قانون بایستی آنها را استثناء بکنند و

بنده پیشنهاد کردم آنها مشمول مقررات ماده اول نباشند آقایان آنها انتظار خدمت و مساعدت را از شما دارند آنها را هم می آیند و توقیف میکنند آنوقت بعد از يك عمر که مثل بنده روزنامه آنها را توقیف کردند تازه باید بیایند و تقاضای امتیاز کنند.

**رئیس** - بگذارید برای مجلس.

**صفوی** - توجه میفرمائید.

**رئیس** - آقا اخطار میکنم بشما که بس است.

**صفوی** - روزنامه که در ولایات الآن منتشر میشود مستثنی باشد.

**رئیس** - چیز غریبی است اخطار هم بشما اثر نمیکند یعنی چه؟ شما باخاطر هم متقاعد نمیشوید.

**جمعی از نمایندگان** - رأی رأی.

**رئیس** - موافقین با پیشنهاد آقای صفوی برخیزند (عده قلیایی قیام نمودند) رد شد. پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان: بنده پیشنهاد میدارم جرایدی که قبل از سال ۱۳۰۴ دارای امتیاز بوده اند امتیاز آنها محفوظ بوده و شورای عالی معارف با در نظر گرفتن مطلب و شرایط دیگر این قانون عمل نمایند. فرمانفرمائیان.

**فرمانفرمائیان** - همه آقایان صحبت کردند. اجازه بفرمائید بنده هم توضیح بدهم. در اینجا يك مسئله ایست يك اصل مسلمی است که امتیاز هیچیک از آقایان نه امتیاز آقای صفوی دوست محترم بنده و سایر نمایندگان دیگر از بین نمیرود همه ماها بنده اصولاً شخصاً خودم را عرض میکنم همه ما علاقمند هستیم که جراید باطرزی مطلوب چنانچه بیک قسمتی از آنها هیچ ایرادی هم نبوده دائر باشند در این تردیدی نیست ولی در اینجا دلیل نمیشود که این قانونی که آورده اند و اینهمه آقایان اظهار تأسف میفرمایند اجازه داده نشود این قصاص قبل از جنایت است آقا. ملاحظه بفرمائید مجلس هفت هشت روز برای وضعیت داخلی خودش تعطیل بود در خارج منتشر شده بود که در مجلس بسته شده است و این حرف تأثیری هم نداشت برای اینکه جاس برای کارهای داخلی

خودش مشغول بوده است و مخالفت نظری هم بین دولت و مجلس نبود رئیس دولت و هیئت دولت هم هیچ نظریه سوئی نداشته اند چنانچه عملاً ثابت گردید. راجع بجرائد هم از کجا معلوم که فردا همین شورای عالی معارف همین پیشنهادی که بنده عرض میکنم و سایر نظریات نمایندگان را که اینجا اظهار داشته اند در نظر نگیرند و امتیازات آقایان را که چندین سال است دارند و این روزنامه را اداره کرده اند ندهند؟

بنده خوب تشخیص دادم که هیچ همچو چیزی نیست. این قانون را شما قرائت بکنید بنده هم خیلی دقت کردم اینطور که آقای صفوی فرمودند نیست که شورای عالی فرهنگ با آقای صفوی بگوید مثلاً که روزنامه کوشش را نباید منتشر کنید. بنده شخص خودم را عرض میکنم که اگر شورای عالی معارف يك چنین غرض ورزی کرد بنده حاضر و در اینجا بنده اولین کسی هستم که يك طرح قانونی پیشنهاد بکنم و همه امضا می کنیم و این قانون را نسخ میکنیم قانونی که ما بموجب مقتضیات وضع می کنیم دلیل ندارد که سه ماه دیگر نتوانیم آنرا اصلاح کنیم این است که بنده تمنی میکنم که آقایان باین اندازه اظهار وحشت و نگرانی نکنند همه در این قسمت اصولاً با آقایان موافق هستیم.

**رئیس** - رأی میگیریم ...

**فرمانفرمائیان** - بنده برای توضیح عرض کردم. پس میگیرم.

**رئیس** - پیشنهادات این ماده تمام شد. موافقین با ماده اول برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - ماده سی و چهار قانون مطبوعات مصوب ۶ محرم ۱۳۲۶ بطریق ذیل اصلاح میشود:

ماده ۳۴ - توهین و تاسزا رهتک احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد با هیئت ها و مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیر نسبت به آنها با شکایت مدعی خصوصی در دادگاه جنحه (و خارج از نوبت) مطرح و محرز و نویسنده و ناشر از هشت روز تا یکسال حبس و از هزار تا یکصد هزار ریال

جریمه نقدی و از هشت روز تا سه سال بتوقیف روزنامه محکوم خواهد شد و دادگاه میتواند متخلف را بیک یا سه مجازات مذکور محکوم نماید.

در صورتیکه جرائم مذکور بوسیله اوراق چاپی یا هر گونه اوراق دیگر بعمل آمده باشد با مراجعه مدعی خصوصی آن اوراق ضبط و محرز و نویسنده و ناشر آن نیز مشمول مقررات فوق خواهند بود.

**رئیس** - در این ماده عده از آقایان اجازه خواسته اند مخالف و موافق صحبت خواهند کرد. اول آقای دکتر ملک زاده.

**دکتر ملک زاده** - عرض کنم که موضوع مطبوعات یکی از مهمترین قضائاتی است که همیشه در مجلس شورای ملی و در پارلمانهای دنیا مورد بحث میشود نه فقط افکار عمومی را بخود جلب میکند بلکه تمام جرائد دنیا متوجه میشوند باین موضوع و در اطراف آن بحث میکنند همینطور در این موقع که این لایحه در مجلس شورای ملی مورد بحث و شور قرار گرفت آقایان متوجهند که تمام افکار مخصوصاً افکار طبقه مشروطه خواه مملکت و طبقه آزادخواه مملکت متوجه هستند باین قانون و کیفیت اجرای این قانون و وضعی که مجلس شورای ملی این قانون را تلقی خواهد کرد

حق هم با آنها است زیرا همه میدانند که مطبوعات و جراید یکی از پایه ها و یکی از ستونهای است که حکومت ملی و مشروطیت در روی آن قرار گرفته است این هیچ جای شبهه و تردید نیست از طرف دیگر جای شبهه نیست که مجلس شورای ملی مظهر آزادی و مشروطیت است و نگهبان مشروطیت است و نمیتواند طرفدار آزادی مطبوعات نباشد این قضیه هم برای همه روشن است و این یکی از وظایف قانونی و وجدانی نمایندگان ملت است که از آزادی مطبوعات طرفداری کنند چرا؟ برای اینکه هر حکومتی در دنیا یک مظاهری دارد و اگر آن مظاهر و کیفیانش حفظ نشود اصل فلسفه خودش را از دست میدهد حکومت ملی که بزرگترین مظهر آن مجلس شورای ملی است یکی از خواصش حفظ

آزادی و حفظ امنیت و عدالت است و البته مجلس شورای ملی باید که این اصل مسلم و اساسی را حافظ باشد چون بعقیده بنده هر قدر در اطراف این موضوع بحث شود و مسئله روشن بشود این ارزش دارد بواسطه اهمیتی که مطبوعات دارد. موضوع آزادی مطبوعات در عالم مشروطیت در دنیای مشروطیت اهمیتش بیشتر از این است که دو جلسه سه جلسه چهار جلسه در مجلس شورای ملی در اطراف آن بحث بشود بنده از اول خواستم حقیقه از مدیران جرایدی که در مجلس شورای ملی عضویت دارند بشکر کنم از رویه متین و عاقلانه که آنها از اول در ظرف این مدت پیش گرفته اند و اگر سایر روزنامهها هم همین رویه را پیش گرفته بودند تصدیق می فرمایند که نه محتاج بوضع يك همچو قانونی میشد و نه اصلاً همچو قانونی پیشنهاد میشد متأسفانه بعضی از جراید از موقعیت خودشان سوء استفاده کردند و از حدود طبیعی خارج شدند و هر چیزی وقتی از حدود طبیعی خارج شد نتیجه معکوس میدهد و هر چیزی که نتیجه معکوس بدهد اثر و نتیجه اش همین خواهد بود و بيك وضعیت حقیقه ناگواری منتهی میشود. آقایان نظرشان هست که در کابینه مرحوم فروغی روز آخر دوره دوازدهم ایشان يك لایحه آورده بودند و يك قسمت آن لایحه راجع بمطبوعات بود و بنده کسی بودم که راجع بان لایحه اظهار مخالفت کردم در همان وقتی هم که این صحبت را میکردم ایشان پس گرفتند و من امیدوار بودم در سهم خودم که در نتیجه این وضعیتی که این بیست سال پیش آمد برای مملکت مامدیران جرائد و ارباب قلم متوجه شدند که باید رویه را که بر صلاح مملکت و بر صلاح مشروطیت و بر صلاح حکومت ملی است پیش بگیرند برای اینکه يك جریان عکس العملی در مقابل رویه ناروای آنها پیش نیاید بنده مطبوعات را که حقیقتاً از حدود وظایف ملی خودشان تجاوز میکنند و بجای اینکه آن حق را که يك ملت و مملکت از آنها حقیقتاً توقع و انتظار دارند و آن این است که روزنامه ها باید يك مدرسه باشند که در آن درس

برای اینکه آقا باشند. عزیز باشند جان مال عقیده و حیثیت در مملکتشان در وطنشان محفوظ باشد برای این مملکتش را میخواهد و دوست دارد. بنابراین اگر بنسب باشد حیثیت اشخاص حیثیت مشروطیت حیثیت مملکت حیثیت مجلس شورای ملی دستخوش اغراض واقع شود و لطمه بشرافت و حیثیت اشخاص وارد آید البته آنوقت حکومت ملی و مشروطیت آن فلسفه حقیقی خود را از دست میدهد (صحیح است) و بالاخره صورتی پیدا میکند که در این مملکت پیدا شده است در این جا يك نکته را هم مخصوصاً نظر مجلس شورای ملی را بآن جلب کنم و خواهش میکنم که دقت کنید بطوریکه مکرر هم گفته شده بود در موضوع قانون بعقیده من هشتاد درصد مسئله حسن اجراء و سوء اجراء در قانون تأثیر دارد اگر قانون بدست مردمان باتقوی و معتقد بحکومت ملی افتاد و قانون خوب اجرا شد بعقیده بنده نافع واقع میشود و اگر قانون بدست مردمان ناپاک و عناصری افتاد که دارای سوء عقیده هستند و بد اجرا شد اثرات خیلی بدی میبخشد مثل اینکه دیدید قانون نظام وظیفه که یکی از مهمترین و بهترین قوانینی است در کشور (سرباز شدن یکی از مکتبهای ملی محسوب میشود) بدست يك هشت اشخاص بد سابقه و دزد و استفاده چی افتاد و این اثرات درش پیدا شد این قانون هم همینطور است و من عقیده ام این است که مجلس شورای ملی راجع باین قانون که هیچ چیزی زائد نشده است بان باید کاری بکنند و بدولت تذکر بدهد که بدست مردمان پاك و وطن پرست و مشروطه خواه و صالح اجرا بشود توجه فرمائید بنده الان یقین دارم که اگر يك چنین دولتی باشد تمام اشخاصی که سابقه روزنامه نویسی و سابقه آزادیخواهی و شرافت و پاکدامنی دارند نه فقط خودشان باید بیایند و تقاضی کنند بلکه حق دولت است که بانها بگویند که شما بیایید و قبول کنید این کار را این يك چیزی است که مجلس شورای ملی باید سعی کند که مجریان قانون مردمان پاك مردمان با ایمان و خوب باشند چرا؟ بواسطه اینکه این قانون دو چیز میگوید که بعقیده

من تمام مجلس شورای ملی در این اصل موافقت اولش این است برای يك کسی که قلم را در دست میگیرد يك شرايطی را در نظر میگیرد کسی که قلم را در دست میگیرد و بالاخره خود را مظهر افکار ملی مملکت معرفی میکند اگر دارای يك مقام خیلی خیلی ارجمندی نباشد اقلاباً بایستی شایستگی اینکار اجتماعی را داشته باشد شما اگر بخواهید مطبوعات آن همان مقام و حیثیتی را که مطبوعات ممالک متمدنه عالم دارند دارا بشوند و آن مقام حقیقی را در جامعه حائز بشوند تصدیق فرمائید تا اشخاص شایسته و با حیثیت، اشخاص سیاستمدار در جه اول مردمان بزرگ و محل اعتماد ملت آنها شغل روزنامه نویسی را قبول نکنند شما مطبوعاتتان نمی تواند آن مقام را احراز کند که مطبوعات دنیا احراز کرده اند. در تمام ممالک دنیا رئیس الوزراء رئیس جمهورها وقتی که از ریاست جمهوری یا ریاست وزراء کناره گیری میکنند و دوره ریاستشان را طی می کنند می آیند و روزنامه نویس می شوند چرا؟ برای اینکه میدانند مقام مطبوعات در مملکت مشروطه و حکومت مشروطه چیست پس ما هم باید سعی کنیم که مطبوعات ما آن مقامی را که در خور اوست همان مقام را احراز کند. دوم مسئله مجازات است بنده نمیدانم چطور است که اگر کسی به بنده فحش بدهد بنده حق دارم که بروم بمحکمه و او را تعقیب کنم و ادعای شرف بکنم ولی اگر برداشت و توی روزنامه ها به حیثیت و شرافت و همه چیز انسان تعرض و حمله کرد نشود تعقیب کرد؟ آخر همه کار را که انسان برای آخرتش نمی کند صاف و پاك و پوست کند عرض میکنم آدم با شرف و درستکار در يك مملکت از یول میگذرد از نفع می گذرد از مقام می گذرد برای اینکه عزیز باشد برای اینکه آقا باشد يك دفعه در يك ورق پاره بردارند و آبرو و حیثیت يك خانواده را ببرند شما هم حق نداشته باشید او را تعقیب کنید نتوانید او را در دادگاه تعقیب کنید این خیلی حرف است و اینطور نمیشود آقا (صحیح است) بنده در خلاصه عرایض از مجلس شورای ملی خواهش میکنم و بدولت تذکر میدهم که مراقبت داشته باشند که حتی الامکان

آزادی و حفظ امنیت و عدالت است و البته مجلس شورای ملی باید که این اصل مسلم و اساسی را حافظ باشد چون بعقیده بنده هر قدر در اطراف این موضوع بحث شود و مسئله روشن بشود این ارزش دارد بواسطه اهمیتی که مطبوعات دارد. موضوع آزادی مطبوعات در عالم مشروطیت در دنیای مشروطیت اهمیتش بیشتر از این است که دو جلسه سه جلسه چهار جلسه در مجلس شورای ملی در اطراف آن بحث بشود بنده از اول خواستم حقیقه از مدیران جرایدی که در مجلس شورای ملی عضویت دارند تشکر کنم از رویه متین و عاقلانه که آنها از اول در ظرف این مدت پیش گرفته اند و اگر سایر روزنامه ها هم همین رویه را پیش گرفته بودند تصدیق می فرمایند که نه محتاج بوضع يك همچو قانونی میشد و نه اصلاً همچو قانونی پیشنهاد میشد متأسفانه بعضی از جراید از موقعیت خودشان سوء استفاده کردند و از حدود طبیعی خارج شدند و هر چیزی وقتی از حدود طبیعی خارج شد نتیجه معکوس میدهد و هر چیزی که نتیجه معکوس بدهد اثر و نتیجه اش همین خواهد بود و بيك وضعیت حقیقه ناگواری منتهی میشود. آقایان نظرشان هست که در کلیدنه مرحوم فروغی روز آخر دوره دوازدهم ایشان يك لایحه آورده بودند و يك قسمت آن لایحه راجع بمطبوعات بود و بنده کسی بودم که راجع بآن لایحه اظهار مخالفت کردم در همان وقتی هم که این صحبت را میکردم ایشان پس گرفتند و من امیدوار بودم در سهم خودم که در نتیجه این وضعیتی که این بیست سال پیش آمد برای مملکت ملامدیران جرائد و ارباب قلم متوجه شده باشند که باید رویه را که بر صلاح مملکت و بر صلاح مشروطیت و بر صلاح حکومت ملی است پیش بگیرند برای اینکه يك جریان عکس العملی در مقابل رویه ناروای آنها پیش نیاید بنده مطبوعاتی را که حقیقتاً از حدود وظائف ملی خودشان تجاوز میکنند و بجای اینکه آن حق را که يك ملت و مملکت از آنها حقیقتاً توقع و انتظار دارند و آن این است که روزنامه ها باید يك مدرسه باشند که در آن درس

اخلاق و درس وطن پرستی میهن دوستی صحت عمل و تقوی بمردم یاد بدهند این باید وظیفه و رویه يك روزنامه که خودش را مظهر افکار عامه در مملکت می داند باشد حالا اگر آمد و يك رویه معکوسی را پیش گرفت و سبب فساد افکار عمومی شد باندازه که جرائد البته در زندگانی عمومی فایده دارند بهمان اندازه هم مضر برای جامعه و مضر برای مملکت واقع می شوند آقایان فراموش نفرموده اند که سی و شش سال از دوره مشروطیت ایران میگذرد و در این سی و شش سال دو دوره گذرانیدیم يك دوره که دوره مشروطیت باید گفت و يك دوره دوره شاه سابق که دوره دیکتاتوری باشد اگر ما تمام امور را منکر شویم يك عمل را نمیشود منکر شد و آن این است که منطق را کسی نمیتواند منکر بشود چون اصول منطقی يك اصول طبیعی است يك امر طبیعی است که منکر ندارد نتیجه يك امری وقتی غلط شد مسلم است که مقدمات امر غلط بوده است آقایان همه تصدیق میکنند که رویه مسست و عدم امنیت و وضعیت جرائد و فحاشی و سستی دولت و بالاخره هزار عیب دیگر در آن هفده ساله موجب و مؤسس حکومت دیکتاتوری بود. چرا؟ چون مردم بجان آمدند دیدند نه امنیت جانی دارند نه امنیت مالی دارند نه حیثیت دارند نه شرافت دارند بالاخره خواستند يك راه دیگری را ایشان بکنند که بشود تامین حیثیت و زندگانی و جان و شرافتشان بشود پس باید تصدیق کرد که مؤسس حکومت دیکتاتوری آن وضعیت بود آن حکومت دیکتاتوری که در آن دوره پیش آمد یکی از عوامل مؤثر آن دوره و آن پیش آمد جرائد بود که فحش و اذیتها را میگذراندند و بمردها رساندند که همه تان دیدید که حتی حافظ و سعدی و غیره هم مصون نماندند از فحش روزنامه ها (صحیح است) پس آقا امنیت امنیت حقیقی بزرگترین مظهر حکومت ملی است و این هیچ جای شبهه نیست (صحیح است) هر کس در وطنش در مملکتش می خواهد آقا باشد، چرا آدم وطنش را می خواهد و درست دارد؟ چرا آلمانها و انگلیسها اینقدر فداکاری می کنند؟

برای اینکه آقا باشند. عزیز باشند جان مال عقیده و حیثیت در مملکتشان در وطنشان محفوظ باشد برای این مملکتش را میخواهد و دوست دارد. بنابراین اگر بنا باشد حیثیت اشخاص حیثیت مشروطیت حیثیت مملکت حیثیت مجلس شورای ملی دستخوش اغراض واقع شود و لطمه بشرافت و حیثیت اشخاص وارد آید البته آنوقت حکومت ملی و مشروطیت آن فلسفه حقیقی خود را از دست میدهد (صحیح است) و بالاخره صورتی پیدا میکند که در این مملکت پیدا شده است در این جا يك نکته را هم مخصوصاً نظر مجلس شورای ملی را بآن جلب کنیم و خواهش میکنم که دقت کنید بطوریکه مکرر هم گفته شده بود در موضوع قانون بعقیده من هشتاد درصد مسئله حسن اجراء و سوء اجراء در قانون تأثیر دارد اگر قانون بدست مردمان با تقوی و معتقد بحکومت ملی افتاد و قانون خوب اجرا شد بعقیده بنده نافع واقع میشود و اگر قانون بدست مردمان ناپاک و عناصری افتاد که دارای سوء عقیده هستند و بد اجرا شد اثرات خیلی بدی میبخشد مثل اینکه دیدید قانون نظام وظیفه که یکی از مهمترین و بهترین قوانینی است در کشور (سرباز شدن یکی از مکتبهای ملی محسوب میشود) بدست يك مشت اشخاص بد سابقه و دزد و استفاده چی افتاد و این اثرات درش پیدا شد این قانون هم همینطور است و من عقیده ام این است که مجلس شورای ملی راجع باین قانون که هیچ چیزی زائد نشده است بآن باید کاری بکنند و بدولت تذکر بدهد که بدست مردمان پاك و وطن پرست و مشروطه خواه و صالح اجرا بشود توجه فرمائید بنده الان یقین دارم که اگر يك چنین دولتی باشد تمام اشخاصی که سابقه روزنامه نویسی و سابقه آزادیخواهی و شرافت و پاکدامنی دارند نه فقط خودشان باید بیایند و تقاضی کنند بلکه حق دولت است که بآنها بگویند که شما بیایید و قبول کنید این کار را این يك چیزی است که مجلس شورای ملی باید سعی کند که مجریان قانون مردمان پاك مردمان با ایمان و خوب باشند چرا؟ بواسطه اینکه این قانون دو چیز میگوید که بعقیده

من تمام مجلس شورای ملی در این اصل موافقت اولش این است برای يك کسی که قلم را در دست میگیرد يك شرابطی را در نظر میگیرد کسی که قلم را در دست میگیرد و بالاخره خود را مظهر افکار ملی مملکت معرفی میکند اگر دارای يك مقام خیلی خیلی ارجمندی نباشد اقلأً بایستی شایستگی اینکار اجتماعی را داشته باشد شما اگر بخواید مطبوعاتتان همان مقام و حیثیتی را که مطبوعات مالک متمدنه عالم دارند دارا بشوند و آن مقام حقیقی را در جامعه حائز بشوند تصدیق فرمائید تا اشخاص شایسته و با حیثیت، اشخاص سیاستمدار در جه اول مردمان بزرگ و محل اعتماد ملت آنها شغل روزنامه نویسی را قبول نکنند شما مطبوعاتتان نمی تواند آن مقام را احراز کند که مطبوعات دنیا احراز کرده اند. در تمام مالک دنیا رئیس الوزراء ها رئیس جمهورها وقتی که از ریاست جمهوری یا ریاست وزراء کناره گیری میکنند و دوره ریاستشان را طی می کنند می آیند و روزنامه نویسی می شوند چرا؟ برای اینکه میدانند مقام مطبوعات در مملکت مشروطه و حکومت مشروطه چیست پس ما هم باید سعی کنیم که مطبوعات ما آن مقامی را که در خور اوست همان مقام را احراز کند. دوم مسئله مجازات است بنده نمیدانم چطور است که اگر کسی به بنده فحش بدهد بنده حق دارم که بروم بمحکمه او را تعقیب کنم و ادعای شرف بکنم ولی اگر برداشت ونوی روزنامه ها به حیثیت و شرافت و همه چیز انسان تعرض و حمله کرد نشود تعقیب کرد؟ آخر همه کار را که انسان برای آخرتش نمی کند صاف و پاك و پوست کنده عرض میکنم آدم با شرف و درستکار در يك مملکت از یول میگذرد از نفع می گذرد از مقام می گذرد برای اینکه عزیز باشد برای اینکه آقا باشد يك دفعه در يك ورق پاره بردارند و آبرو و حیثیت يك خانواده را ببرند شما هم حق نداشته باشید او را تعقیب کنید نتوانید او را در دادگاه تعقیب کنید این خیلی حرف است و اینطور نمیشود آقا (صحیح است) بنده در خاتمه عرضم از مجلس شورای ملی خواهش میکنم و بدولت تذکر میدهم که مراقبت داشته باشند که حتی الامکان

اشخاص شایسته این مقام عهده دار مقام روزنامه نویسی بشوند و اشخاصی که صلاحیت ندارند و بحیثیت مردم و شرافت مردم توهین و تجاوز می کنند مورد تعقیب قانونی واقع شوند و از آنها جلوگیری بکنند (صحیح است)

رئیس - آقای صفوی

صفوی - عرض کنم که ماده دوم مطرح است و بنده هم عریضی دارم در اطراف ماده دوم که بعرض مجلس شورای ملی میرسانم و خیلی میل دارم که قلبهای پاک آقایان که همه دارای احساسات و عواطف وطن پرستی و آزادیخواهی هستند کاملاً توجه داشته باشد و عادلانه قضاوت کنند و نسبت بمطبوعات که رکن چهارم مشروطیت است و اشخاصی که قام را از لحاظ سیاسی و اجتماعی و مذهبی در دست میگیرند و خدمت می کنند نسبت بآنها ظلم و بی عدالتی نشود عرض کنم که بنده یکی دو مرتبه در قسمت ماده اول یک عریضی کردم و در کلیات این قانون هم یک عریضی کردم و نأسفاتی خوردم که نمی خواهم تکرار کنم که اگر یک قلمهای آلوده نبود هیچوقت نه دولت مجبور می شد که این مواد را بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند و نه مجلس شورای ملی راضی میشد که از مجلس که نماینده و مظهر ملت ایران محسوب میشود و وکلای آن نمایندگان ملت ایران هستند یک قوانینی باین شدت وحدت بگذرد. این جا در ماده دوم حالا ماده اول هر چه بود کاری ندارم در ماده دوم آمده است و ماده ۳۴ قانون مطبوعات را تفسیر می کند بنده دوم لایحه را که ماده ۳۴ قانون مطبوعات را اینجا اصلاح کرده و پیشنهاد کرده اند برای اینکه ذهن آقایان را روشن کرده باشم اجازه می خواهم آن را عیناً بخوانم :

ماده دوم - ماده ۳۴ قانون مطبوعات مصوب ۶ محرم ۱۳۲۶ بطریق ذیل اصلاح میشود

(ماده ۳۴ - توهین و ناسزا و هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد یا هیئت ها) تا این جا صد درصد موافقم بعد می نویسد (و مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیر نسبت بآنها) این عبارت خیلی کش دار است (باشکایت مدعی خصوصی در دادگاه

مؤید احمدی - ماده ۳۴ سابق را هم بخوانید .  
صفوی - بلی چشم میخوانم : ماده ۳۴ - هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیئت مادامی که مرتکب از ثبوت آن عاجز باشد و مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیر خواه بمعنی باشد خواه بالفاظ نالایق مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود .

نایب - سیاست یعنی چه ؟

صفوی - این هم آن ماده سابق . عرض کنم حضورتان آقای نائینی البته همه رفقا و سرکار دارای ادب و فضل و کمال هستید و همه اهل فضل و کمال که شایستگی دارند وابسته بمطبوعات هستند جنابعالی و آقایانی که دارای مقام فضل و دانش هستند و نویسنده هستند و یکی دوزبان خارجه آشنا هستند مترجم هستند جنابعالی خودتان ترجمه میکنید و مترجم هستید همه وابسته بمطبوعات میباشد همه بایستی حامی مطبوعات باشید شما میدانید که اگر یک مقاله که از روی حقیقت و از روی بی غرضی نوشته شود تأثیرات خیلی عمیقی دارد بالاخره اگر یک وقتی آمدید و شما از طرفی محاسنش را در نظر گرفتید و دیدید که مطبوعات چه خدمات شایان توجهی باین جامعه میکنند . . .

مصدق جهانشاهی - مقاصدش را هم بگوئید آقای .

صفوی - آنوقت در مقابل اگر آقای جهانشاهی عیب کوچکی هم در مطبوعات بود باید آنرا صرف نظر بفرمائید البته بنده منافعتش را عرض میکنم که مطبوعات در مقام انتقاد حکم پلیس مخفی جامعه را دارد شما یک مأموری را که میفرستید بفلان جا برود و رئیس اقتصاد آنجا را که در حدود ده پانزده کیسه قند بهش داده اند که این را چهار صد گرم چهارصد گرم با کوپن تقسیم کند و بمرده بدهد یا برنج را میفرستند و میگویند که تقسیم کن بین مردم وقتی که بگیرد یک کیسه اش را تقسیم کند و بقیه اش را ببرد بررقایش بدهد این از چه وهم دارد از چه بیم دارد که مبادا این موضوع کشف شود ؟ از اینکه یک مخبر روزنامه این را بردارد و بنویسد آنوقت وزارتخانه جلویش را بگیرد

و او را تحت محاکمه و بازخواست قرار دهد و بگوید چرا برخلاف مقررات عمل کرده ای . این یکی . ولی وقتیکه شما تمام این راه ها را مسدود کردید وقتی که این زبانها را قطع کردید وقتیکه نخواستید مردم تظلم خودشان را بدهند و دادخواهی کنند و عرضحال خودشان را بوزراء و بمجلس بدهند آنوقت نمیشود از این هر ج و مرجها از این خلاف ترتیبها از این بی رویه گی ها از این بی عدالتی ها و از همه این چیزهایی که ما میدانیم و دیده ایم و هر يك از آقایان نمایندگان ولایات هر کدام سه چهار تا پنج تا تلگراف توی جیبشان است و از این محظورات همیشه دارند آنوقت يك کسی هیچوقت نمی آید خودش را در محظور بندازد و با قا یک گزارشی بدهد بعد هم برود یکسال حبس بشود بمحض اینکه فلان مأمور گمرک بمحض اینکه فلان مأمور اقتصاد بمحض اینکه فلان مأمور شهر داری بر علیه خودش يك خبری يك گزارشی دید فوراً مطابق این قانون يك عرضحال بمحکمه میدهد بعد هم می بینیم که پیشنهاداتی هم آقایان نمایندگان ضمیمه میکنند که خبرش را هم وقتی رفت بمحکمه باز هم نتوانند بنویسند آنوقت باید برود بمحکمه یکسال حبس بشود و یکصد هزار ریال جریمه نقدی و سه سال هم بتوقیف روزنامه محکوم بشود . توجه میفرمائید آقای ؟ این جا همانطور که عرض کردم مطبوعات حکم يك پلیس مخفی را دارد و همینقدر که يك هیئت تفتیشیه که بایک مبلغ خطیری وزارت راه یا پیشه و هنر و بازرگانی انتخاب میکنند برای اینکه بروند بمحل و ببینند عمال دولت در فلان شهرستان با رعایا و با مردم چه عملی میکنند چه نوع رفتار می کنند این جا از طرف وزارت کشور از طرف وزارت دادگستری يك هیئت تفتیشیه را می فرستند بآذربایجان برای اینکه تفتیش کنند و آقای نخست وزیر به بینند که عمال دولتی و مأمورین با مردم چه جور معامله میکنند همین حکم را دارد يك روزنامه يك روزنامه بی غرض و بی نظر يك روزنامه که مقصود و منظور شخصی و خصوصی نداشته باشد حکم همان هیئت تفتیشیه را دارد و همانطور که هیئت تفتیشیه با يك مخارج

سنگینی این وظیفه را انجام میدهد آن روزنامه ها همین عمل را بدو ب خرج انجام میدهند پس دولت باید تشویق کند روزنامه ها را دولت باید روزنامه ها کمک کند دولت باید روزنامه ها را پشتی بان خودش بداند برای اینکه نواقص را بگویند تا رفع شود به اینکه اگر فرضاً در يك محلی از بی آبی سوختند . اگر روزنامه ها بنویسند که آقای شهردار فلان محله تهران از بی آبی سوخت فوری بسگویند تو همین کرده است (نخست وزیر - بنویسند) آخر اگر بنویسند ممکن است بسگویند این تو همین بشهرداری است اگر گفتند بلدیة يك محله شهر را تاريك گذارده است اگر گفتند بعد از بيست روز سي روز چهل روز سرشماری بالاخره الان هزاران اشخاص سرشهر گرسنه و بی نان هستند این تو همین به اداره آمار است (نخست وزیر - اینطور نیست آقا) بنا بر این نمیتواند اینها را بنویسد بگذارید جرائد آزاد باشد در قسمت تو همین و ناسزا در قسمت اول ماده که مینویسد ناسزا و هتك احترام و کسر اعتبارات اشخاص تا این جا بنده موافقم ولی قسمت دیگر . و مطلقاً هر گونه تحقیر و تخفیف يك نفر مأمور جزء یا سر تحصیلدار فلان بلوك ابرقورفت يك تعدی كند و بجای اینکه مازاد گندم فلان چارا بدولت تحویل بدهد فلان مقدارش را فروخت برای خودش دیگر نمیتواند بنویسند برای اینکه تحقیر است و مستوجب مجازات هائی است مستلزم يكسال حبس است این راه را باز نگذارید برای اینکه مردمان بد عمل و آن کسانی که از موقعیت همیشه سوء استفاده کرده اند ما دست آنها را باز میگذاریم برای اینکه اگر در سابق يك ترس و بیمی داشتند که مبادا فلان روزنامه مطلع شود و بنویسند این هم از بین میرود فلان روزنامه برداشت نوشت در این محل کسه بنده هستم آبله مثل بر گی درخت بچه های مردم را میکشد و سرم آبله نیست فوراً میگویند به اداره بهداشتی تو همین کرده ای (نخست وزیر - بنویسند آقا) مثلاً برداشت نوشت در آذربایجان آبله مردم را کشت و سرم نفرستادند (مصدق جهانشاهی - آذربایجان نیست) آقای جهانشاهی خدا نکند در آذربایجان چنین خبری باشد من

بر فرض مثال عرض میکنم مقصودم این نبود که در آذربایجان خبری شده بطور مثال عرض کردم این عبارت کش دار آخر ملاحظه بفرمائید هتك شرف نباید بکند خوب روزنامه باید قلمش پاك و عقیف و بی غرض باشد و بی نظر باشد و هتك شرف نکند بی احترامی نکند ناسزا نگوید ولی اگر به یک نفر اجازه بدهند بکنند و به یک نفر هم اجازه ندهند که يك نقطه ضعفی که در يك جای دولت هست بگوید چیزی را یا دم آمد در سه چهار روز قبل خدمت آقای نخست وزیر عرض کردم مردم بوشهر از گرسنگی میمیرند جنازه ها توی کوچه ها افتاده است فرمودند دستور دادیم برنج بفرستند خیلی من امیدوار شدم که عاجلاً تا چند روزی بخورونمیری بآنها خواهد رسید به انبیا و اولیا دیشب کاغذ داشتم که هشتماد تن برنج بردند بشیراز و بعد از بیست روز معلوم شده که در خود شیراز برنج را فروخته اند تازه مأمورین را گرفته اند حبس کرده اند و تشفی قلب ماتنها این است که آنها را گرفته اند حبس کرده اند خوب دیگر ما نمیتوانیم يك همچو تلگرافی را در روزنامه چاپ کنیم شما نمیتوانید مطلع باشید که آن مردمی که دور از مرکز چشمشان بدست مجلس شورای ملی است و بدست دولت است چه بحالشان میگردد شما دیگر نمیتوانید اطلاع داشته باشید که این مأمور که باید هشتماد تن برنج برای مردمان گرسنه ببرد برده است فروخته است برای خودش يك وقتی که مطبوعات در مضیقه و در فشار بودند اداره ساسور برایشان درست کردند همین ادای نامه نگاری که چنانچه همه مطلع هستند این اداره در نهایت شدت مطبوعات را زیر فشار گذاشت حتی اسم کسی را نمیگذاشت بنویسند (مشار - خیر آقا اینطور نبود) اجازه بدهید آقا شماها نماینده ملت هستید اینها درد دل ملت است ملاحظه فرمودید که همه دفتر هاشان را بستند و جمع کردند و گذاشتند برای روز های آزادی برای اینکه آنقدر مته به خشخاش میگذاشتند در اداره نامه نگاری که الان این که عرض میکنم سندش سند فلان روزنامه کوشش هست در ضمن يك شرحی که نوشته بودند این شعر را گنجانده بودند که

(رضا بداده بده وز جبین گره بگشا) مامور ساسور که چشمش به این نام افتاده بود و نام رضا را دیده بود روی نام رضا خط قرمز کشیده بود و بجایش نوشته بود حسن بداده بده وز جبین گره بگشا (خنده نمایندگان) ملاحظه بفرمائید آقای نخست وزیر مطبوعات دوره هائی گذراندند که حقیقه سخت بود آقای اقبال رضا را زده بود بجایش نوشته بود حسن بداده بده يك همچو دورانی را مطبوعات طی کردند از شهر یور باینطرف که آن روح آزادی دمیده شد بنده هم تأسف میخوردم که بعضی از جرائد آنطور کردند و با شما هم هم عقیده هستم اما شما هم باید گذشت داشته باشید رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرماید خوبهاشانرا برای خدا بخواید بدهاشان را برای ما (مشار - خدا پدرشان را بیامرزد رسول اکرم هم که رقی میگذارند) شما از نظر مقام ارجمندی که دارید از نظر مقام شامخی که دارید باید با نظر عفو و اغماض اینها را نگاه کنید اگر بشما خدای بخوایسته يك ناسزائی گفتند من از طرف آنها پوزش میخواهم ولی بیائید این اصل کلی را اعمال کنید مطبوعات خدمتگذار مملکت هستند بنده مطبوعات خوب را عرض میکنم مطبوعات میتوانند يك مقاله بنویسند و هزار جور خدمت بکنند آنوقت در خلال آن سطور هم ممکن است يك چیزی بکسی خوش نیاید آنوقت بگویند هتك احترام از فلان کس شده و نویسنده مسؤل است و صریحاً هم نوشته و امضا کرده است که مثلاً فلان مأمور برنج را در شیراز فروخته و نگذاشته است به بوشهر برسد آنوقت ناشر آن روزنامه که روزنامه حط می آورد در خانه اشخاص میدهد او را هم میخواهید حبس کنید فرض کنید يك تلگرافی از بوشهر آمده است صاحب تلگراف و امضا کنندگان تلگراف نویسنده هستند بعلاوه ناشر و نویسنده هر سه را تعقیب میکنید بنده تعجب میکنم مجلس شورای ملی توجه بفرمایند اگر حقیقه این برنج را برد در شیراز فروخت و حمل نکرد برای مردم گرسنه آنجا این مأمور باید مجازات شود نه اینکه هم ناشر و هم

نویسنده و هر سه این برخلاف عدالت است برخلاف انصاف است آنها از هشت روز تا يكسال حبس آنها بنظر دادگاه گذاشتن این خیلی زیاد است عرض کنم مطبوعات برای دولت میتوانند يك مقش بی خرجی باشند که خوب انجام وظیفه بکنند و اصلاحات را نشان بدهند و از این بی ترتیبی مأمورین گزارش بشما بدهند بنده در نتیجه بیست سال زندگی روزنامه نویسی چیزها دیده ام و چیزها دارم افسوس میخورم که جایش در مجلس شورای ملی نیست ولی يك وقتی ممکن است که بنده اینها را منتشر کنم که چه بی عدالتی هائی در ولایات و در نقاط دور دست مردم می شود و تنهاراهی که دارند يك تلگرافی بکمسیون عرایض مجلس شورای ملی و کپی آن تلگراف هم بیکدیگر دو تا روزنامه و در این مقام دادخواهی بکنند و از آقایان نمایندگان استر حاکم میکنند که آقایان اینطور بما ظلم کرده اند حالا آقایان چرا آنقدر عصبانی هستید چرا بعضی از رفقای عزیز من برای يك نیش کوچکی آنقدر عصبانی هستند به انبیا و اولیا قسم است که قلمهای پاك هیچوقت منظوری ندارند و خدمتگذار هستند چرا میخواهید این عمل را بکنید که نویسنده و ناشر راحت تعقیب قرار بدهید ناشر و مدیر که گناهی نکرده است همیشه مرتکب را باید در نظر گرفت (افشار - پیشنهاد بدهید) بله بنده پیشنهاد میکنم ولی منظورم این است که زبانی ملت را نباید بست این عمل يك را کسیون خواهد داشت و عکس - العمل خواهد داشت و برای دوره سیزدهم که تا امروز خدمات مهمی کرده و بخوبی انجام وظیفه کرده است که از هر جهت بهترین دوره های مجلس شورای ملی بوده است بعقیده بنده پسندیده نیست که يك چنین قانونی را بر علیه مطبوعات بگذارند .

**وزیر کشور** - بنده سه کلمه توضیح میدهم خیلی مختصر

چنانچه روز گذشته توضیح دادم این عین ماده ۳۴ سابق است با همان کلمات و جملات سابق بنده قرائت میکنم (هتك احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیئت مادامی که مرتکب از ثبوت آن عاجز باشد و مطلقاً هر گونه تخفیف و

تحقیق خواه بمعنی خواه باشد خواه بالفاظ نالایق مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود. تعیین مجازات نشده (بعضی از نمایندگان - مواد بعد معین میکنند) اگر میزان مجازات منظور آقایان است میزان راهم بهیچوجه اضافه نکرده ایم در قانون مطبوعات که در سابق گذشته مجازات را تا پنجسال معین کرده ولی در این ماده معین نکرده در ماده بعدش برای توهین و ناسزا نسبت به انجمن های ایالتی و ولایتی از یک روز تا هشت روز گذاشته است عین آن مدتی که در قانون سابق بوده این جا گذارده ایم و چیزی نسبت بقانون سابق اضافه نشده اما اینکه آقای صفوی نگرانی داشتند که ممکن است ما یک روزی توی روزنامه یک خبری بنویسیم که تحقیر باشد برای کسی الفاظ یک معنائی دارد توهین یک معنائی دارد ناسزا یک معنائی دارد مثلاً اگر راجع به آب فلان محل نوشتند این تحقیر نیست البته شما میتوانید بنویسید که فلان کس دزدی کرده است و البته قهراً این آدمی که میخواهد یک چنین چیزی را بنویسد بایستی یک تحقیقاتی کرده باشد آیا ممکن است بنویسد فلان استاندار دزدیده است این را بدون تحقیق باید گفت؟ مثلاً قضیه برنج بوشهر را البته باید بنویسند بانهایت صراحت که این برنجی که دولت تخصیص داده است به بوشهر از بین رفته است هیچ ممکن است که یک دولتی هر قدر هم بی انصاف باشد که این را تعقیب نکنند اما اگر بدون مطالعه نوشت که فلان استاندار دزدی کرده است و اینطور نباشد این باید تعقیب شود چرا بایستی که بدون تحقیق نوشته باشد که بعد دچار زحمت شود و همین ها بوده است تا کنون که باین جا رسیده است ممکن است یک خبری برسد به آقای صفوی بدون اینکه معلوم شود صحیح بوده است یا خیر بنویسند این البته مسئولیت دارد ولی وقتی که تحقیق کردند و خبر صحیح بود البته یک همچو خبری را هر کس حق دارد بمدعی العموم بگوید اگر مدعی - العموم هم تعقیب نکرد خود مدعی العموم تعقیب بشود این مانعی ندارد اما اشکال دیگری که برایشان پیدا شده که نوشته شده است محرك. نویسنده. ناشر ملاحظه بفرمائید در تمام

دنیا در تمام جرائد يك مباشر اصلی دارد يك معاوونی دارد و بموجب قانون مجازات عمومی همیشه محرك و کسانی که معاونت در جرم می کنند اینها هم تعقیب باید بشوند الا آن هستند در این شهر که در يك گوشه نشسته اند و بچه های کوچک را میفرستند بروند دزدی کنند این محرك مسئولیت ندارد؟ تمام مسئولیت روی دوش محرك است يك کس دیگری از این بچه اسباب دزدی را میگیرد و میبرد بازارو میفروشد این مسئولیت ندارد آنچه هم که در این جا نوشته شده است از اصول مسلمة قانونی است و هیچ انحرافی نشده است.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**مسعودی** - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات (جمعی

از نمایندگان - رأی رأی)

**رئیس** - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات موافقین

برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پیشنهادهای خواننده (میشود)

پیشنهاد آقای نقابت:

در صورتیکه نویسنده یا مدیر روزنامه بتواند از عهدہ اثبات نسبتی که داده است برآید از مجازات معاف خواهد شد.

**وزیر فرهنگ** - این پیشنهاد را دولت قبول میکند.

**نقابت** - بنده خوشوقتم که دولت قبول کردند پیشنهاد بنده را.

پیشنهاد آقای منشور:

پیشنهاد میشود به آخر ماده دو افزوده شود در دادگاه جنائی رسیدگی شود.

**منشور** - آقای وزیر کشور تذکر دادند این قانون

چیزی از آن قانون سابق نکاسته است و چیزی اضافه نکرده است و بنده تصدیق میکنم و با مراجعه بقوانین سابق بنده دیدم چیزی اضافه نشده است و فقط همان ماده اول است و بنده از موافقین این لایحه هستم و قبلاً هم خدمت آقای نخست وزیر شخصاً عرض کردم که بایستی روزنامه ها محدود باشد و این موافقت برای این است که هر کس نباید در

روزنامه هر چه دلش خرد است بنویسد اما این محدودیت هم باید طوری باشد که از آنطرف هم هیچ نتوانند چیزی بنویسند از آنطرف مسئله مجازات این مجازاتی که در اینجا معین شده برای روزنامه يك چیز فوق العاده زیادی است (نخست وزیر - از هشت روز است) بله از هشت روز تا سه سال وقتی که موضوع در يك محکمه کوچکتر مطرح میشود که قاضی انقدر دارای تجربه نیست این خیال میکند که اگر مجازات را ببرد روی هشت روز تا یکماه یا دو ماه این عدم انجام وظیفه کرده است می رود روی یکسال و دو سال با اضافه سابقاً مطابق قانون هیئت منصفه موضوع در دادگاه جنائی مطرح میشود با حضور هیئت منصفه ولی اگر مواردی بود که محتاج نبود هیئت منصفه حاضر شوند و آن موقعی بود که توهین باشخص می شود که مربوط بمقامشان نباشد ولی بنده معتقدم که اگر موضوع بمحکمه جنائی نرود و بمحکمه جنحه برود قاضی رسیدگی کند و با کمال عجله رسیدگی کند اینجا يك نگرانیهای پیش خواهد آمد که تصور شود قاضی ممکن است سرسری رسیدگی بکند و البته وقتیکه در محکمه رفت و ثابت کرد تبرئه خواهد شد بنابراین آنچه که از هشت روز مجازات دارد بایستی بمحکمه جنحه برود ولی وقتیکه تجاوز کرد شاید تا سه سال هم شد باید بمحکمه جنائی برود و اینکه در این جا نوشته شده برخلاف اصل است.

**رئیس** - خطاب به آقای وزیر فرهنگ - پیشنهاد آقای

نقابت را قبول کردید؟

**وزیر فرهنگ** - بقدری واضح و روشن است که لازم

بدکر نیست و مسلم است.

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای منشور

موافقین برخیزند (تصویب شد).

پیشنهاد آقای عراقی:

پیشنهاد میکنم در ماده دو در سطر سوم پس از جمله:

هر گونه تخفیف و تحقیر نسبت با آنها این عبارت در پراکنز

نوشته شود (در صورتیکه صرفاً مربوط بزندانگی شخصی و

خصوصی و سیاسی آنها نداشته باشد که در آنحال رسیدگی با حضور هیئت منصفه بعمل خواهد آمد).

**عراقی** - در قانون اساسی تصریح شده است که جرائم

مطبوعات و سیاسی با حضور هیئت منصفه باید رسیدگی

بعمل آید در اینجا میخواهند بموجب این قانون يك ماده

که تصویب شده است در سابق يك مقداری از جرائم را

میخواهند از آن زمره خارج کنند و با حضور هیئت منصفه

قرار ندهند و يك محکمه کوچکتری برای او قائل شوند

این اصولاً صحیح نیست در قانون اساسی بطور کلی نوشته

شده است که جرائم مطبوعات باید در حضور هیئت منصفه

باشد حالا نظر آقایان این است که بعضی از این اتهامات

که جنبه سیاسی و عمومی ندارد باید در محکمه عادی

رسیدگی شود بنده عرضی ندارم و موافقت میکنم ولی تا آن

حدی که توهین و حمله بشخصیت اشخاص شده باشد یعنی

يك شخصی بگویند تو در زندگی خصوصی خودت مرتکب

این خطبها شده ای یا این معایب از تو سر زده است و

البته این در دادگاه های جنحه رسیدگی خواهد شد

اما بیک فردی اگر گفتند که تو از وضعیت اداری خودت سوء

استفاده کرده ای و تجاوز کردی دیگر اینرا نمیشود به این

دادگاه کوچک مراجعه شود و رسیدگی شود اگر حمله

بزندانگی شخصی و حقوقی شده باشد طبق این قانون مانع

نیست که رسیدگی شود در محکمه عادی جنحه اما اگر از نقطه

نظر اداری و سیاسی حمله شده باشد که آن شخص از مقام

سیاسی و اداری خودش سوء استفاده کرده اینرا نمیشود احاله

داد بهمین دادگاهها بیک محکمه ساده کوچکی که يك نفر

در آنجا قضاوت میکند در آنموقع لازم است که افکار و

احساسات ملت ایران بوسیله هیئت منصفه در آنجا دحالت

بکند اینهاست که بنده پیشنهاد کردم بعد از جمله هر گونه

تخفیف و تحقیر نسبت به آنها این عبارت نوی پراکنز نوشته

شود: در صورتیکه صرفاً مربوط بزندانگی شخصی و خصوصی

آنها نداشته باشد در اینصورت باید در دادگاه جنحه رسیدگی

شود و این اتهامات بستگی با موقعیت سیاسی و اداری آنها

نداشته باشد که در آنحال با حضور هیئت منصفه طبق قانون اساسی باید بعمل بیاید این است که از آقایان استدعا میکنم با این پیشنهاد موافقت بفرمایند و الا با گذشتن این قانون هر نوع حمله به آقایان نمایندگان یا کسان دیگری که متصدی مقامات بزرگ سیاسی و اداری هستند بشود میکشند بمحکمه ساده جنحه و آن اصل قانون اساسی و آن منظوری که در قانون اساسی است که باید احساسات عامه در اینموقع دخالت نکنند این ازین خواهد رفت

**امیر تیمور** - بنده با پیشنهاد آقای نراقی مخالفم و تصور میکنم که منظور نماینده محترم آقای نراقی کاملاً حاصل است و این پیشنهاد هم مورد ندارد زیرا این اصل مسلم و محرز است که آن اصل قانون اساسی سر جای خودش محفوظ است و هیئت منصفه تشکیل میشود و ما نمیتوانیم ملغی کنیم و این قانون بقوت خودش باقی است و قانون مطبوعات و قانون هیئت منصفه سر جای خودش باقی است البته آن جرائم خاصی که مطابق قانون مطبوعات باید با حضور هیئت منصفه باشد همینطور هم عمل خواهد شد بنابراین منظور حاصل است و استدعا میکنم پیشنهاد خودتان را مسترد بفرمائید

**نراقی** - در صورتیکه دولت توضیح بدهد استرداد میکنم که ملغی نمیشود آن جرائمی که باید برود به هیئت منصفه خواهد رفت و استدعا میکنم که این پیشنهاد را مسترد بفرمایند.

**رئیس** - آقایانیکه با پیشنهاد آقای نراقی موافقت قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) تصویب نشد

**نراقی** - خطاب بوزیر فرهنگ آقا شما مسامحه میکنید در توضیح دادن پیشنهاد آقای مخبر فرهند

امتیاز روزنامه را که قبلاً از این تاریخ کسی داشته تا وقتی که بعد از تصویب این قانون با داده نشده دیگری بنام آن روزنامه حق گرفتن امتیاز آنرا نخواهد داشت

**مخبر فرهند** - در اطراف اینموضوع بحث و مذاکره

زیاد شده است و بعقیده بنده توضیح خیلی بیش از اینها لازم بوده است برای اینکه همینطوری که گفته شد قانون مطبوعات در واقع يك قانون اساسی است ما مطلب را روی سطح و وضعیت فعلی مطبوعات نگاه میکنیم فرض بفرمائید اگر يك روزنامه بيك نفر اهانتی کرده است ما قضاوت را میبریم روی آن نویسنده و آن شخص و حال اینکه مطلب اینطور نیست مجلس شورای ملی باید قانون بگذراند برای مطبوعات کشور بایستی بطوری در اطراف این قضیه مطالعه شود که هیچگونه نظری در کار نباشد ما همینطوری میخواهیم قانون بگذرانیم بنده عقیده ام این است که روزنامه های ما باید طوری باشد که اگر در جامعه روزنامه های دنیا بگذارند برای ما يك مقام بستی را قائل نشوند برای اینکه روزنامه نماینده افکار و رشد سیاسی يك ملتی است همینطور هم بایستی که در قانون گذاری این نظر تأمین شود و نگویند قانونی برای مطبوعات مملکت وضع میشود آنوقت در اطرافش وقت میکنند که نگویند مجلس روی احساسات رفت یا دولت يك نظریات خاصی داشت بنابراین ملاحظه بفرمائید اگر همان روز اول به قید يك فوریت تصویب شده بود و بکمسیون میرفت در روز بعد از کمسیون آمده بود و تصویب میشد آن عمل نشد و سه روز گذشته است و امروز به تصویب میرسد در صورتی که ممکن بود همان دیروز به تصویب برسد و کسی هم مخالفتی نکرده باشد و وقت مجلس و دولت هم که بایستی صرف کارهای دیگری بشود گرفته نشده باشد ما عجله و شتاب کردیم و مطلب همینطور ماند و وقت هم زیاد گرفته شد.

**فرخ** - ماده ۶۳ :

يك اشكال دیگر هم اینجا است که مجال صحبت داده نمیشود در مجلس هی گفته میشود ماده ۶۳ ماده ۶۳ (خطاب با آقای فرخ) آقا ماده ۶۳ برای بنده است (فرخ) برای همه است) بایستی مطالب گفته شود مجلس شورای ملی برای بحث و مذاکره است بنده تصور میکنم که این شتاب و عجله بعد از گذشتن قانون و بعد ها برای خود آقایان پشیمانی بیاورد

و بنده تبصره پیشنهاد کردم که آن آقایانی که امتیاز روزنامه را قبل از این تاریخ داشته اند دیگری بنام آن روزنامه حق گرفتن آن امتیاز را نخواهد داشت برای اینکه دارای ارزش است و این را نمیشود از او گرفت بنده پیشنهاد کردم که این امتیاز را بکسی دیگر نمیتوانند بدهند تا وقتی که آن صاحب از حق خودش صرف نظر نکند بدیگری بدهند و اگر کس دیگری آمد و خواست امتیازش را بگیرد و آن شرایط درس ملحوظ بود بنام دیگری بهش روزنامه بدهند نه يك نامی که بنده سالها برای خودم اتخاذ کرده ام (طباطبائی - همینطور هم هست آقا)

**رئیس** - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای مخبر فرهند موافقین برخیزند (عده برخاستند) تصویب نشد.

**پیشنهاد آقای مسعودی**.

دولت حق ندارد هیچيك از مجلات و روزنامه ها را قبل از صدور رأی محکمه توقیف نماید.

**مسعودی** - عرض میکنم این مطلب البته بایستی مورد توجه آقایان باشد که فوق العاده تحت تأثیر و احساسات واقع نشوند البته آقایان توجه کرده اند باینکه زیاد در این مورد بحث شد و مذاکره شد و در این دو جلسه دیده میشود آقایان خیلی موضوع را اهمیت میدهند و نسبت بمطبوعات با يك نظر خیلی بد بینی (نخست وزیر اینطور نیست - اینطور نیست) نگاه میکنند بهمین جهت عرض میکنم آقایان توجه داشته باشند که يك قانونی را میخواهند بتصویب برسانند باید با کمال متانت و آرامش بدون در نظر گرفتن چیزهای خصوصی و شخصی باشد بنده تصور میکنم که يك قسمت از مذاکرات این دو روزه بواسطه احساساتی است که خود آقایان از نقطه نظر يك قسمت از روزنامه ها این احساسات را پیدا کرده اند (یکی از نمایندگان - اینطور نیست - اینطور نیست) چرا همین است بهمین دلیل که الان ملاحظه میفرمائید دارین قانون شدیدرا موافقت میفرمائید و میگردد والا همینطور که آقای وزیر کشور توضیح دادند خود آقای وزیر کشور میفرمایند که ما در این ماده دوم هیچ

چیز تازه نیارود داریم بنده از خودشان سؤال می کنم که اگر چیز تازه نیاروده اند این پیشنهادشان برای چه بود؟ خود آقای وزیر کشور میفرمایند که تمام اینها در قوانین ما بود بنده بایشان میگویم که چرا تا حالا عمل نکردند؟ نسبت به هتك احترامات و حیثیت و شرف اشخاص اگر اهانتی شده است چرا جلو گیری نشده است؟ پس دولت ها در هر مورد در این قسمت تصیر داشته اند حالا متشبه شده اند بقانون و بوسیله قانون میخواهند جلو گیری کنند در صورتیکه قبلاً هم قانون بود. البته بایستی آقایان در این مورد بخصوص نظرشان برود روی مطبوعات گذشته که مطبوعات گذشته نسبت به بعضی بک حرفهائی میزدند و عامه مطبوعات را نباید بکنواخت در نظر گرفت باید توجه داشته باشند که بعضی مطبوعات خوب هم بوده است البته موضوع مطبوعات يك موضوع مقدسی است و بایستی نسبت بمطبوعات وظیفه شناس احترام بگذارند و بستگی مطبوعات را با مجلس کاملاً رعایت بکنند و متوجه باشند که این دو قوه بایستی با هم کار بکنند محالاً مطابق این پیشنهاد بنده دولت حق ندارد قبل از صدور رأی محکمه روزنامه را توقیف نماید این البته ممکن است واضح باشد ولی اگر دولت تأیید کرد که قبل از صدور حکم محکمه حق ندارد توقیف بکنند نظر بنده تأمین میشود والا اگر غیر از این است خواهش میکنم رأی بگیرید.

**وزیر کشور** - اینجا آقای مسعودی گفتند که اگر تغییری در قانون سابق داده نشده چرا این لایحه ای را داده اند متأسفانه توضیحات بنده را اطف فرمودند بنده عرض کردم در قانون سابق عین این مواد هست منتهی راجع به مجازات فقط مینویسد سیاست خواهد شد و مجازات تعیین نکرده است (مسعودی - در مواد دیگر دارید) اگر قاضی بخواهد مجازات تعیین کند و رأی بدهد نمیتواند مجازات ماده دیگر را باین ماده بچسباند بنا بر این تصور میکنم با تنظیم این ماده تمام عقاید تأمین است چون در آن ماده سابق نوشته است سیاست خواهد شد و میزان مجازات تعیین نشده است و اینجا میزان مجازات تعیین شده اما نسبت به پیشنهادشان

فرمودند در این ماده اضافه بشود با پیشنهاد ایشان نمی توانم موافقت کنم چرا برای اینکه این ماده را که پیشنهاد کردند مخالف يك قسمت از قانون مطبوعات سابق است اگر اجازه میفرمائید که آن مواد را بنده اینجا یکی یکی برای آقایان بخوانم. (بعضی از نمایندگان - خیر رأی گرفته شود).

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای مسعودی موافقین برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد آقای صفوی خوانده میشود:

در ماده دوم پیشنهاد میکنم نوشته شود: نویسنده و در صورتیکه بدون امضاء باشد مدیر روزنامه.

**رئیس** - آقای صفوی.

**صفوی** - عرض کنم بطوریکه بنده قبلاً مفصل در عرایضم عرض کردم این جا در ماده دوم نوشته شده است که بدون هیچگونه تخفیف نویسنده محرك و ناشر شامل هر سه نفر خواهد بود ممکن است ناشر چند نفر باشد و شامل همه باشد و يك مطلبی باشد که نویسنده با امضای خودش نوشته است این برخلاف اصل است و عدالت که دیگران را بگیرند بعقیده بنده يك کسی وقتی يك مطلبی را بيك کسی داد و امضاء کرد صاحب امضاء مسئول آن موضوعی است که نوشته است اگر بی امضاء بود یا امضاء مستعار داشت آنوقت مدیر روزنامه مسئول است و الا ناشر و محرك خیلی مشکل است پیدا کردنش پیدا کردن محرك ممکن است دچار زحمت بکنند ممکن است بیست نفر سی نفر باشند پس پیشنهاد بنده این است که اگر امضاء داشت صاحب امضاء مسئول است اگر امضاء نداشت مدیر روزنامه مسئول است.

**جمعی از نمایندگان** - رأی رأی.

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای صفوی موافقین برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد دیگر -

**طوسی** - پیشنهاد عده ۱۹ نفر از آقایان - اعتبار - نیکپور - فیاض - مؤید ثابتی - دکتر ضیاء - فرشی - ذوالقدر خلاصه ۱۹ نفر:

پیشنهاد میکنیم به آخر ماده ۲ شرح زیر افزوده شود: در مدتی که روزنامه یا مجله تحت تعقیب واقع میشود آن روزنامه یا مجله یا جرائد دیگر نمیتوانند نسبت به شاکتی یا محکمه که موضوع در آن مطرح است تا خاتمه محاکمه و اعلام رأی هیچگونه نگارشی در روزنامه خود چه بر له و چه بر علیه داشته باشند و چنانچه تخلف نمایند آن روزنامه و مجله قبل از صدور حکم محکمه توقیف میشود

**رئیس** - آقای اعتبار

**اعتبار** - اساساً بنده خیال میکنم این جا تمام آقایانی که موافق هستند با این لایحه حقیقه موافق ضمنی و موافق قطعی جراید هستند موافق پیشرفت مطبوعات هستند تصور نباید بشود به اینکه هر پیشنهادیکه آقایان بنام مخالف با آن لایحه رأی نمیدهند حقیقه آنها نظر مخالفی نسبت به مطبوعات دارند اینطور نیست (صحیح است) بلکه ما و آقایان دیگری که با این لایحه موافقت میکنیم همه این نظر را داریم که مطبوعات دارای يك مقامی باشد که حقیقه باید و شاید دارا باشد (صحیح است) و اما این پیشنهاد بنده و يك عده از آقایان البته باز هم روی اینکه راجع به مطبوعات وقتی که شکایتی شد از طرف يك نفر مدعی خصوصی و موضوع رفت به محکمه و آن روزنامه یا جرائد دیگر رویه بی طرفی را حفظ کنند و نسبت با آن شخص شاکتی تا روز اعلام رأی یا بهمین طور نسبت به محکمه رویه بی طرفی و سکوت را اختیار کنند این بنظر بنده باز هم يك کمکی است با آن نظر و به آن رویه ای که آقایان گرفته اند نسبت به مطبوعات که باید رویه بی طرفی اتخاذ بشود و حقیقه آنطوری که باید و شاید از آن نظری که هست رسیدگی بشود (طباطبائی - مقصود شما چیست آقا) مقصود ما این است که موقعی که یکنفر شاکتی از يك روزنامه ای شکایت میکند به محکمه آن روزنامه با بستن سکوت اختیار کند نسبت بشاکتی و نسبت به محکمه که موضوع در آنجا مطرح است و هیچگونه رویه ای را برخلاف آن اتخاذ نکند تعقیب نکند فحش ندهد تا وقتی که محکمه با يك حال بی طرفی بتواند نتیجه رأی را اعلام بکند عرض

کنم که برای شاکتی چیزی نیست جز يك عرض حال که عرض حالش را به محکمه میدهد ولی برای روزنامه همان حربه در دستش است همان حربه که مورد شکایت مردم است او در دستش است هیچ اشکال ندارد از فردا با هم شروع میکند آنچه را هم که نگفته است باز در فردا میگوید (طباطبائی خوب باز هم فردا به محکمه می رود) اگر ما برای هر جرم يك دفعه محکمه ر قائل بشویم حق بجانب آقا بود ولی نظر ما این بود که آن محکمه در موضوع این شکایت شاکتی تحت بیروا واقع نشود و آن شاکتی بتواند بکار خود موفق شود.

**وزیر فرهنگ** - نظر باینکه محکمه اگر بی طرف باشد و تحت تأثیر واقع نشود بهتر است و بهتر میتواند رسیدگی بکند دولت هم با این پیشنهاد موافق است.

**عده از نمایندگان** - مخالفیم

**نقابت** - بنده با این پیشنهاد مخالفم.

**رئیس** - بفرمائید

**نقابت** - بنده متأسفانه با این پیشنهاد مخالفم توجه بفرمائید يك محاکمه در محکمه مطرح است

**صفوی** - خبرش را هم میگویند در روزنامه ننویسند یعنی چه؟

**نقابت** - آقای صفوی اجازه بدهید من که با شما موافقم يك قدری صبر کنید.

این قضیه در محکمه مطرح است این محکمه ممکن است درش محاکمه مختاری باشد ممکن است محاکمه قتل عمد باشد ممکن است محکمه برای رسیدگی باختلاس باشد ممکن است محاکمه کوچولو افتراء نسبت به يك اشخاصی باشد محاکمه فرق میکنند اگر يك عملی برخلاف مقررات شده باشد این حق خواهد داشت که انتشار بدهد و اظهار عقیده کند می فرمائید که آنها بدخواهند نوشت اگر آنها بد نوشتند از آنها شکایت می کنند بنابراین چرا باید محدود کرد این کار خوبی نیست آقا و همانطور که بنده عرض کردم نباید زیاد تشدید کرد این يك تشدید است از طرف نمایندگان محترم نسبت به لایحه و خواهش میکنم پس بگیرند تأثیری هم

ندارد. (بعضی از نمایندگان - رأی - رأی).  
**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد این آقایان موافقین برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد.

چند نفر از نمایندگان - چگونه؟

**هاشمی** - ۳۹ نفر رأی دادند عده هم نود و چهار نفر است.

**رئیس** - اکثریت نیست. تصویب نشد پیشنهاد آقای اوحدی:

مجازات حبس از هشت روز تا شش ماه و مجازات نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال معین گردد.

**اوحدی** - عرض میکنم که با نظر اختصاری که دارم همینقدر عرض میکنم که اگر در قانون اساسی قوارا به سه قسمت منقسم نکرده بود و قوه اول و دوم و سوم را تشخیص نداده بود بعقیده بنده مطبوعات قوه دوم بود این را عرض کردم که عقیده بنده برای آتهائی که میگوید ما قسم خوردیم بدانند که بنده هم طرفدار مطبوعات هستم و این قانون هم مخالفت با مطبوعات نیست که دولت به مجلس آورده است (صحیح است) این قانونی را که دولت آورده است مخالف است با نویسندگان رذل و پست فطرت و وطن فروش (صحیح است) (نوبخت - اینطور نیست آقا) اینرا برای آنها آورده است نه برای ضدیت با مطبوعات نه برای اختناق مطبوعات نه برای خراب کردن مطبوعات برای اینها نیست (صحیح است) این اشتباه است باین جهت است که مجلس و اکثریت مجلس با این لایحه موافق است در صورتیکه همه آزادی خواه هستند همه بقرآن قسم خورده اند همه وطن خواهند و همه استقلال وطن را می خواهند و محترم میدانند (صحیح است) بنده نقطه پیشنهاد کرده ام که این مجازات تخفیف پیدا کند این خیلی مهم نیست از هشت روز تا یکسال بنده تقاضا کرده ام از هشت روز تا شش ماه بشود. مجازات نقدی که از هزار ریال تا صد هزار ریال است من تقاضا کردم از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال باشد چون پانصد بیارید بهتر است

اگر این موافقت بشود تصور می‌کنم ضرر و زبانی بجائی نداشته باشد ممکن است یک نفر روزنامه نگار يك مرتبه اشتباهاً یا سهواً تحقیری کرد مورد محاکمه و محکومیت واقع شد انصاف نیست يك سال برای خاطر يك تحقیر حبس شود در ماده دوم این قانون هست این را صریحاً می‌گویم این در تمام قوانین سابقه بوده است جا هست در قانون سابق مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیر مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود پس اینکه مورد استعجاب بعضی از آقایان شده بود خیلی هم مورد استعجاب نباشد و این صریحاً در مواد قانون سابق نوشته شده است و هست و اسباب اشکال نخواهد بود دولت هم در اینجا نظر خاصی برای آوردن این قسمتها ندارد و حالا اگر آقای وزیر فرهنگ موافقت میکنند پس این تخفیف دیگر گفتگوئی نشود و رأی گرفته بشود و مذاکرات هم کافی است و بنده هم بنظریه خودم باقی خواهم بود.

**وزیر فرهنگ** - بنده بنظر مجلس واگذار می‌کنم.

**طالش خان** - يك مرتبه دیگر خوانده شود: (مجدداً خوانده شد)

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای اوحدی موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد تبصره پیشنهادی آقای انوار:

تبصره ذیل را پیشنهاد می‌کنم: مطبوعاتی که در تحت محاکمه واقع می‌گردند مادامیکه رأی محکمه باجرا نرسیده هیچیک از مطبوعات مرکز یا شهرستانها نمی‌توانند در این موضوع چیزی نگارش دهند در صورت تخلف یکسال توقیف خواهند شد.

**هاشمی** - مورد شده است آقای این پیشنهاد

**رئیس** - آقای انوار

**انوار** - اولاً بنده خیلی باختصار عرض می‌کنم يك موضوعی را ناچارم خدمت آقایان عرض کنم که بعضی از آقایان خیال میکنند که ما در حال عصبانیت بودیم خدا شاهد است هیچوقت ما عصبانی نیستیم و بهمان حالتی که

پیشنهاد نمی‌کنم پیشنهاد کردم مطبوعاتی که در تحت محاکمه واقع میشوند مادامیکه رأی محکمه باخر نرسیده هیچیک از مطبوعات مرکز یا شهرستانها در این موضوع نباید چیزی نگارش دهند گفتیم که در صورت تخلف یکسال توقیف خواهد شد و تقاضا می‌کنم رأی بورقه گرفته شود **رئیس** - این پیشنهاد آقای انوار مطابق پیشنهادی است که شده بود قبلاً حالا اگر مایلید در این باب دو مرتبه بحث شود یا رأی گرفته شود؟

**بعضی از نمایندگان** - رأی بگیرید آقای رای

**رئیس** - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای انوار موافقین برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد رأی گرفته میشود بماده دوم با تبصره که آقای نقابت پیشنهاد کردند و دولت هم قبول کرده است آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سوم پیشنهادی آقای نقابت:

ماده سوم - بمنظور حسن اجرای این قانون شورای عالی فرهنگ آئین نامه تنظیم خواهد نمود که پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجراء گذارده خواهد شد رأی شورای عالی فرهنگ با کثرت قاطع است و هیچیک از کارمندان شورای مزبور حق ندارند رأی خود را بدیگری برگذار نمایند.

**هاشمی** - اجازه می‌فرمائید؟

**رئیس** - بفرمائید

**بعضی از نمایندگان** - رأی رأی صحبت ندارد

**هاشمی** - چرا صحبت ندارد. مطابق نظامنامه حق صحبت داریم اولاً خیلی ها تصور کرده‌ایم که خیلی اظهار حرارت کرده‌ایم اینها در آتیه حسن اثر دارد؟ آدم با کمال متانت حرف طرف را می‌شنود. بعد جواب میدهد بنده اینجا بطوریکه عرض کردم ما نظر مخالفتی با دولت یا خیال تضییق نداریم (یکی از نمایندگان - این حرفها چه چیز است آقا) نسبت بسابقه جرائد هم ابدأ بنده تزلزل ندارم چون بجهت اینکه بقول حافظ هفتصد سال قبل

گفته است. با اینهمه از سابقه نومید مشواما گاهی از طرز عمل يك چیز هائی پیش می‌آید که کار را بتاخیر می‌اندازد بنده پیشنهاد کردم که همین آئین نامه که نوشته می‌شود باشک کمیسیون دادگستری و کمیسیون فرهنگ مجلس باشد که آنها هم موافقت بکنند ضمناً هم حق قانون گذاری خودمان را ادا کرده باشیم و در ضمن دو جلسه آقا قول میدهم که تصویب شود و چون جنبه جزائی دارد باید به کمیسیون دادگستری هم برود و هم بکمیسیون فرهنگ (بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید)

**وزیر فرهنگ** - این پیشنهاد آقای نقابت را دولت قبول کرده است و فقط تقاضا می‌کنم جمله اول بمنظور حسن اجرای این قانون را از اول ماده بردارند (صحیح است - صحیح است)

**نقابت** - بردارند. مانعی ندارد

**رئیس** - پیشنهادی آقای هاشمی کرده اند که بکمیسیون دادگستری و فرهنگ برود

یکی از نمایندگان - پیشنهادی که آقای هاشمی فرمود بکمیسیون مجلس و دادگستری برود احتیاج ندارد

**وزیر فرهنگ** - پیشنهادی را که دولت قبول کرده است و قبلاً هم که بعرض مجلس رسیده است پیشنهاد آقای نقابت است با حذف آن جمله اول (صحیح است)

**هاشمی** - به پیشنهاد بنده رأی بگیرید آقا

**رئیس** - در وهله اول به پیشنهاد آقای هاشمی رأی گرفته میشود که ایشان پیشنهاد کردند که این نظامنامه بنظر کمیسیونهای دادگستری و فرهنگ مجلس برسد و تصویب شود. موافقین با این پیشنهاد برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد

موافقین باماده سوم با حذف جمله ای که آقای وزیر فرهنگ اظهار نظر فرمودند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد مذاکرات در کلیات دوم است. آقای بیات

**بیات** - البته نظر مجلس شورای ملی از تصویب این قانون چنانچه همه آقایان میدانند برای این است که اقامه

مطبوعات آن درجه و مقامی را که میبایستی در کشور دارا باشد دارای آن اهمیت خودشان باشد و اصولاً البته این قانون گمان نمیکنم هیچ اشکالی داشته باشد و بنظر کسی اشکالی برسد فقط نگرانی که شاید در بعضی از رفقا هست طرز اجرای این قانون است بنده میخواهم مخصوصاً این قسمت را بدولت متذکر شوم و استدعا کنم که در طرز اجرای این قانون واقعا يك طرزی را در نظر بگیرند که بهیچ وجه من الوجوه تبعیض و نظریات خصوصی اعمال نشود بلکه حقیقه بطوری که نظر مجلس شورای ملی و نظر عامه است يك قدمی بردارند که حقیقه آن اشخاصی که صالح اند و دارای صلاحیت هستند قلم را در دست بگیرند و این مملکت و این ملت را واقعا براه راست و صحیح هدایت کنند بنابراین با این تذکری که عرض کردم مخصوصاً از آقای وزیر فرهنگ هم همینطور تقاضا میکنم که نسبت بشورای عالی فرهنگ البته بایستی این نظر را داشته باشند که از روی حقیقت و صلاحیت هر گونه امتیازی که داده می شود داری آن نظری باشد که مجلس شورای ملی و مردم دارند و آن نظر ملحوظ و اجرا شود و اگر يك قدم از آن نظر دور بشوند بنظر بنده تأثیر این قانون و این نظریات بکلی از بین خواهد رفت و مخصوصاً تذکر میدهم که ماها حقیقه در این قانون ناظر هستیم و نظارت کامل خواهیم کرد و اگر از قدم اول يك قدم کجی گذارده شود بنده که بهم خودم از قدم اول مخالفت خواهم کرد و سعی خواهیم کرد که این قانون آنطور که نظر مجلس و نظر مقنن است بهمان ترتیب اجرا بشود و انتظار دارم که دولت در این قسمت توجه دقیق بفرمایند و شورای عالی فرهنگ هم بیک صورت تام و تمامی تشکیل شود و با يك نظر دقیقی دقت کنند و صلاحیت را تشخیص بدهند که این نظریاتی که هست ملحوظ بشود و این نظریاتی که هست برای مملکت و کشور مهم است و مفید و محترم است و همانطور که گفته شد دارای اهمیت فوق العاده است و با منظور عمومی باید تطبیق شود.

**بعضی از نمایندگان** - کافی است - کافی است.

**نخست وزیر** - بیاناتی را که آقای بیات فرمودند کاملاً مورد توجه دولت است (صحیح است) دولت هم همین نظر را دارد که شورای عالی فرهنگ از اشخاص صالح و بی غرض تشکیل شود و مسلم است این حق هم برای آقایان نمایندگان هست که اگر دیدند يك اعمال غرضی شد البته سؤال میکنند استیضاح میکنند و حق خودشان را اجرا میکنند.

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**بعضی از نمایندگان** - کافی است مذاکرات

عده دیگر - برای رأی کافی نیست

**معدل** - حالا که آقای مؤید احمدی از جای خودشان برخاسته اند بگذارید حرف شان را بزنند

**جمعی از نمایندگان** - بفرمائید. بفرمائید

**مؤید احمدی** - خیلی متأسفم که از رفقای سابق کسی اینجا نیست (یکی از نمایندگان - آقای انوار هستند) آقای انوار در دوره سوم نبودید بنده بودم آقای دکتر قزل اباغ بودند (دکتر قزل اباغ - بلی بنده هم بودم) و شما هم بودید آقای دکتر. عرض میکنم يك قانونی که میگردد این طور نبود که در کلیات يك قانون يك نفری حرف بزنند و بعد بگویند کافی است....

**فرخ** - عقیده مجلس این است که بس است و کافی است مؤید احمدی خیلی خوب عرض میکنم حضور مبارك عالی بعقیده بنده این قانونی را که بمجلس آورده اند در کابینه مرحوم فروغی و کابینه سهیلی اگر خاطر آقایان باشد يك قانون بزرگ پیشنهاد کرده بودند که خیلی فشار به مطبوعات آورده بودند آوردند در جلسه خصوصی و آنجا مطرح کردند همه آقایان مخالفت کردند و پس گرفت و برد و این دو ماده را که دولت فعلاً آورده است بعقیده بنده دو عیب در قانون سابق بود و این را باید انصاف داد یکی در ماده مجازاتش بود که نوشته اند سیاست میشود سیاست می شود این هیچ معنی نداشت شاید در دوره اول در سال ۱۳۲۶ سیاست آنوقت میدانید که چه معنی داشت؟ سیاست های دوره استبدادی بود گوش بری بود دماغ بری

بود چوب زدن بود آنوقت هم نوشته اند سیاست میشوند البته این يك ماده خیلی بدی بود و قابل اصلاح بود و خوب هم اصلاح کردند و بنده در آن ماده حرفی ندارم هر قانونی را که شما توجه بفرمائید می بینید بمحکمه می گویند از هشت روز تا دو سال یا يك سال چرا؟ برای اینکه تقصیرات فرق دارد. یکی يك عبارت بدی گفته است البته باید حد اعلاي مجازات باید بشود ولی يك کسی حد کمی گفته. باید ۸ روز مجازات بشود لیکن در ماده اول برای شورای عالی معارف اشکال تولید میشود چرا؟ برای اینکه حالا هم شورای عالی معارف هست با اینکه اعضای آن مردمان خیلی خوبی هستند و بنده اغلب شان را می شناسم مردمان خیلی خوب هستند ولی این اشکال هم برای آنها باقی است که میزان مالی را چه قدر معین کنند علمی را چه قدر معین کنند این است که ما پیشنهاد کردیم يك حدی معین کنند که شورای عالی فرهنگ هم تکلیفش را بداند و مطابق آن عمل بکند و تا حالا هم این اشکال برای آنها باقی است و رفع اشکال نشده است باید دولت پیشنهاد بکنند که علمی تاچه اندازه و مالی تاچه اندازه باشد تا اینکه برای شورای عالی فرهنگ اشکالی نباشد و این اشکال هنوز هم باقیست.

**رئیس** - عرض کنم که یازده نفر از آقایان تقاضا کرده اند که باورقه رأی گرفته شود مطابق ماده ۷۷ بنابراین با ورقه رأی گرفته میشود موافقین ورقه سفید میدهند. ( اخذ آراء بعمل آمده ۶۸ ورقه سفید و ۳ ورقه کبود و ۵ ورقه بی امضاء علامت امتناع شماره شد )

**رئیس** - عده حضار در موقع رأی نود و دو - لایحه به اکثریت ۶۸ رأی تصویب شد.

( ورقه سفید علامت امتناع ۵ )

**بعضی از نمایندگان** - ختم جلسه.

**۳ - تعیین موقع برای جواب استیضاح**

**از طرف آقای نخست وزیر**

**نخست وزیر** - بنده خواستم جواب استیضاح آقای امیر تیمور را امروز بگویم ولی چون وقت گذشته است برای جلسه آتیه یعنی جلسه سه شنبه هشتم دی حاضر برای جواب خواهم بود.

**۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

**رئیس** - اجازه می فرمائید جلسه را ختم کنیم؟ جلسه آتیه روز سه شنبه هشتم دیماه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم استیضاح

( مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد )

**رئیس مجلس شورای ملی** - حسن اسفندیاری

اسامی موافقین آقایان: مسعودی خراسانی - روحی - فرخ - خلیل حریری - حیدر علی امامی - جلالی - ملک زاده آملی - قلبلی هدایت - مرتضی قلی بیات - دکتر میرزا آقا ضیاء - غلامحسین فرشی - سید محمد طباطبائی - مکرّم افشار - ملک مدنی - حبیب الله لاریجانی - محمود عزیزی - جهانشاهی - فتوحی - فروهر - محمد تقی شیرازی - عطاء الله پالیزی - مهدی نمازی - نصرتیان - خسروشاهی - حسین افشار - محمد تقی رفیعی - محمد رضا اردبیلی - رستم کیو - چایچی - مهدی ملک زاده - دکتر عباس مؤدب نفیسی - گودرز نیا - اصفهانیان - اعتبار - نیکپور - محبت لاریجانی - یار احمدی - شه دوست - طباطبائی - نائینی - محسن صدر - دهستانی - سید احمد بهبهانی - عبسی مشار - فرمانفرمایان - فریدونی - انوار - دکتر طاهری - پارسا - کازرونیان - بوداغان - دکتر لقمان نهورای - اقبال - مؤقر - مؤید ثابتی - معتضدی - اوحدی - اصفهانی - دکتر فنی - فیاض - افخمی - دکتر قزل اباغ - صفاری - نفا الاسلامی - نقابت - لیتوانی - ه - پالیزی - حاج ابراهیم سمیعی - لایقره يك ورقه.

اسامی مخالفین - آقایان: نراقی - طوسی - صفوی.

ورقه سفید علامت امتناع ۵

# قانون

## اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات

**ماده اول** - از تاریخ تصویب این قانون کسانی میتوانند صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله باشند که علاوه بر شرایط مقرر در قانون مطبوعات مصوب ۶ محرم ۱۳۲۶ صلاحیت آنان را از لحاظ تمکن مالی و سرمایه علمی و اخلاقی شورای عالی فرهنگ با رعایت نوع روزنامه یا مجله که میخواهند منتشر کنند و سمتی که در آن خواهند داشت تصدیق نماید صاحبان امتیاز و مدیران و سردبیران فعلی روزنامه ها و مجلات نیز مشمول این قانون میباشند و هیچکس نمیتواند بیش از یک امتیاز یا مجله داشته باشد .

**ماده دوم** - ماده ۳۴ قانون مطبوعات مصوب ۶ محرم ۱۳۲۶ بطریق زیر اصلاح میشود :

**ماده ۴۴** - توهین و ناسزا و هتك احترام و شرف و کسر اعتبارات افراد یا هیئت ها و مطلقا هر گونه تخفیف و تحقیر نسبت بآنها با شکایت مدعی خصوصی در دادگاه جنحه ( و خارج از نوبت ) مطرح و محرک و نویسنده و ناشر از هشت روز تا ششماه حبس و از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی و هشت روز تا سه سال بتوقیف روزنامه محکوم خواهد شد و دادگاه میتواند متخلف را بیک یا هر سه مجازات مذکور محکوم نماید .

در صورتیکه جرائم مذکوره بوسیله اوراق چاپی یا هر گونه اوراق دیگری بعمل آمده باشد با مراجعه مدعی خصوصی آن اوراق ضبط و محرک و نویسنده و ناشر آن نیز مشمول مقررات فوق خواهند بود .

**تبصره** - در صورتیکه نویسنده یا مدیر روزنامه بتواند از عهده اثبات نسبتی که داده است بر آید از مجازات معاف خواهد شد .

**ماده سوم** - شورای عالی فرهنگ آئین نامه تنظیم خواهد نمود که پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارده خواهد شد رأی شورای عالی فرهنگ با کثرت قاطع است و هیچیک از کارمندان شورای مزبور حق ندارند رأی خود را بدیگری بر گذار نمایند

این قانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه سوم دیماه یک هزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای ملی رسید .  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری